

پیرامون "گزارش" موریس کاپیتورن

سفر موریس کاپیتورن، بازرس ویژه سازمان ملل در حقوق بشر به ایران، که با دعوت رسمی جمهوری اسلامی صورت گرفت در نهایت امر منجر به تهیه گزارش ۵۰ صفحه ای شد که به قول مقامات تبهکار جمهوری اسلامی بسیار "مقوازن تر" از گزارشات تا کنونی است. این اظهار نظر رسمی محمد جواد ظریف معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مورد کار بازرس سازمان ملل، خود گویای ماهیت سندی است که به عنوان گزارش "نقض" حقوق بشر در ایران از سوی دیپلمات کانادایی انتشار یافته است.

در صفحه ۲

نقش جمهوری اسلامی در بوسنی، جلوه دیگری از سرسپردگی رژیم وابسته به امپریالیسم

وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم واقعیت انکارناپذیری است که از بدو استقرار این رژیم هر روز خود را به شکلی و به طریقی نمودار ساخته و مکررا با فاکت‌های نویسی به اثبات رسیده و میرسد. از چگونگی شکل گیری و استقرار خود این رژیم تا سفر مک فارلین به ایران و رسوایی ایران گیت و از تلاش در جهت تداوم ۸ سال جنگ امپریالیستی ایران و عراق گرفته تا پیشبرد سیاستهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در دوران باصطلاح یازسازی، همه سرسپردگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها را به روشنی نشان داده اند. با اینحال یکی از زمینه‌هایی که نقش نوکرمآبانه این رژیم در رابطه با امپریالیستها را میتوان هرچه بیشتر آشکار و افشاء نمود، زمینه باصطلاح سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی است.

در صفحه ۲

در این شماره میخوانید:

۸

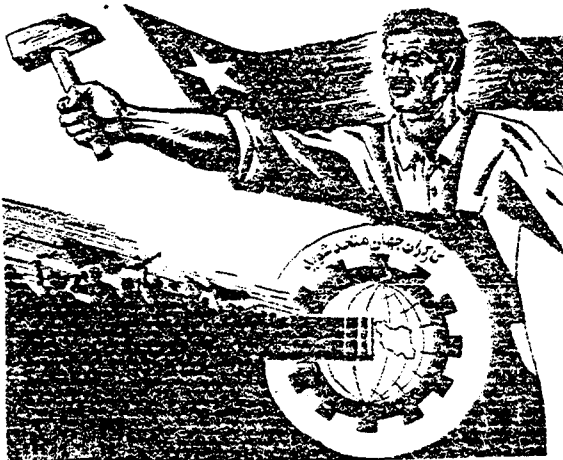
چین: ۶ سال پس از تیانانمن

طرح خصوصی سازی در روسیه

با شکست مواجه شده است ۱۲

اول ماه مه: جلوه ای از مبارزه و همبستگی کارگران بر علیه

نظام سرمایه داری



با فرارسیدن اول ماه مه، امسال میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان سراسر دنیا به انحاء مختلف به بزرگداشت روز جهانی کارگر پرداخته و با اعتراض علیه مظالم سرمایه داری بر تداوم بیکار اردوی کار بر علیه اردوی سرمایه تاکید نهادند. آنچه در زیر می آید منعکس کننده گوشه ای از حرکات و جشنها و تظاهراتی است که در این روز در کشورهای مختلف در بزرگداشت اول ماه مه صورت گرفته است.

در اول ماه مه امسال در ایتالیا، اسپانیا و

بلژیک، دهها هزار کارگر با برپایی اجتماعات و تظاهرات مختلف خشم خود را بر علیه نظام سرمایه داری

در صفحه ۷

به نمایش گذاشته و خواستار کم شدن ساعات کار خویش گشتند.

نقش جمهوری اسلامی در بوسنی، جلوه دیگری از سرسپردگی رژیم به امپریالیسم

از صفحه ۱

در این زمینه مثلا نمونه عملکردهای رژیم در افغانستان و پشتیانی بیدریغ از مجاهدین افغانی که بوسیله امریکا و CIA سازماندهی و تجهیز شده بودند به روشنی موید این واقعیت میباشد که جمهوری اسلامی در جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیستی در هر کجا که لازم باشد آماده خدمت به امپریالیسم میباشد.

تازه ترین نمونه از عملکردهای خارجی رژیم را میتوان در رویدادهای بوسنی دنبال نمود. همه میدانند که بدنبال جنگ و جنایت هایی که در یوگسلاوی پیشین جریان داشت رژیم جمهوری اسلامی با ادعای اینکه غرب مسلمانان بوسنی را فراموش کرده و آنها را در زیر ضربات صربها تنها گذاشته است به سازمان دادن ارسال اسلحه و اعزام پاسداران برای کمک به برادران "مسلمان" خود در بوسنی پرداخت و به این ترتیب در حالیکه علم کمک به مسلمانان بوسنیایی را برافراشته بود، حضور در صحنه جنگ امپریالیستی در یوگسلاوی سابق را بمثابة جزئی از مبارزه خود بر علیه امریکا قلمداد نمود. در همین وقت و از سوی دیگر امریکا نیز ضمن هشدار نسبت به خطر جمهوری اسلامی و "بنیانگرایی اسلامی" وی در آن منطقه کارزار تبلیغاتی بی اساس خود بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را تا آنجا پیش برد که پس از خاتمه جنگ بوسنی و بدنبال قرار داد دایتون شرط کمک به بازسازی این کشور را خروج پاسداران جمهوری اسلامی از بوسنی اعلام نمود. مسلما برای کسانی که به وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم واقف میباشند جای تردید نبود که جمهوری اسلامی در خدمت به منافع امپریالیسم امریکاست که بدین صورت به ایفای نقش ارتجاعی بر علیه توده های آن منطقه مشغول میباشد. معذرا آنچه رسانه ها رسماً اعلام مینمودند و آنچه تبلیغات سعی در الغا آن داشت ضدیت شدید فی مابین جمهوری اسلامی و

امپریالیسم امریکا در رابطه با رویدادهای این منطقه بود. اخیرا در بستر تضادهای موجود در بین جناحهای مختلف هیات حاکمه امریکا مطبوعات این کشور به افشای مطالبی پردلخته اند که نشان میدهند جمهوری اسلامی به خواست و دستور مقامات رسمی امریکایی در بوسنی حضور یافته و صرفا در جهت تامین منافع امپریالیسم امریکا در آن منطقه ایفای نقش مینمود. بررسی این واقعیت یکبار دیگر کذب ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر عدم وابستگی به امپریالیسم امریکا و ماهیت باصطلاح دشمنی و ضدیت امریکا با رژیم حاکم بر ایران را برملا میسازد. اولین بار نشریه لوس آنجلس تایمز در شماره ۱۷ فروردین ماه (۵ آوریل) خود از "توافق پنهانی" دولت امریکا با رژیم جمهوری اسلامی در زمینه صدور اسلحه به بوسنی پرده برداشت. به گزارش این نشریه در شرایطی که بنا به قطعنامه های سازمان ملل صدور اسلحه به بوسنی تحریم شده بود و دولت امریکا رسماً و علنا متعهد به اجرای این قطعنامه ها بود، مقامات کاخ سفید مخفیانه به رژیم جمهوری اسلامی در ارسال سلاح به بوسنی "چراغ سبز" داده اند. بر اساس گزارش فوق الذکر کاخ سفید برای جلوگیری از علنی شدن موضوع مزبور حتی سازمان جاسوسی امریکا CIA را نیز در جریان این "توافق پنهانی" قرار نداده بود و زمانیکه CIA از طریق منابع خود به مساله نقل و انتقال اسلحه و توافقات پنهانی مربوط به آن پی برد، این امر را با کاخ سفید در میان گذاشت و بدنبال آن جریان "توافق پنهانی" دولت امریکا با جمهوری اسلامی به مطبوعات درز نمود.

از جمله مسائلی که از طریق گزارش نشریه لوس آنجلس تایمز افشاء گشته اظهارات یکی از مقامات امریکایی است که میگوید وقتی که در اوایل سال ۹۴ رئیس جمهور کر اوسی از دولت امریکا پرسید که آیا میتواند به ایران آنها اجازه دهد که از طریق خاک آن کشور اسلحه برای

مسلمانان بوسنی حمل کنند، مقام امریکایی که این سوال از او شده بود پاسخ میدهد "ما بطور کلی موضعی در این باره اتخاذ نمیکنیم. (!)"

در پی انتشار این گزارش "مایک مک کوری" سخنگوی کاخ سفید آنرا تکذیب نموده و اعلام کرد: "امریکا همواره طبق قانون و بر اساس قطعنامه سازمان ملل متحد رفتار کرده است." و سفیر جمهوری اسلامی در سارایوو نیز ضمن تکذیب این گزارش مدعی شد: "امریکا در موقعیتی نبود که بتواند به ایران در مورد تحویل اسلحه به بوسنی چراغ سبز بدهد."

لما علیرغم همه این تکذیب های ریاکارانه و همه تلاشی که کاخ سفید برای لاپوشانی مساله مزبور بکار برد، از آنجا که این امر اساسا در بستر تضادهای درونی طبقه حاکمه به مطبوعات کشیده شده بود، موضوع فروش اسلحه از طرف جمهوری اسلامی به "مسلمانان" بوسنی به توصیه امریکا، خیلی زود به یکی از مسایل مورد مشاجره جناحهای مختلف هیات حاکمه امریکا تبدیل گردید. باب دول رئیس اکثریت جمهوری خواه در سنای امریکا خواهان آن گردید که کمیته ای مسئول بررسی و تحقیق در رابطه با موافقت پنهانی بیل کلینتون با ارسال اسلحه از طرف ایران به بوسنی گردد، و نیوت کینگریج رئیس کنگره امریکا، رئیس جمهوری امریکا را متهم ساخت که با موافقت خود نسبت به صدور پنهانی اسلحه از طرف ایران به بوسنی کنگره را "گمراه" کرده است. او در این زمینه گفت: اگر ظرف مدت سه سال رئیس جمهور امریکا رو در رو به شما گفته بود که نمیتوانید کمکی به بوسنیایی ها بکنید و حالا بعد از آن همه صحبت های رو در رو، شما اطلاع پیدا میکنید که آنها با دادن علامات و اشارات لیرائیها را به ارسال اسلحه به بوسنی تشویق کرده اند، چگونه میتواند عازم ملاقات بعدی با رئیس جمهور شوید و نسبت به آنچه که به شما گفته میشود

اطمینان داشته باشید."

به این ترتیب جنگ و دعوای هیات حاکمه آمریکا که این روزها با توجه به نزدیک شدن زمان انتخابات ریاست جمهوری این کشور ابعاد وسیعتری هم یافته است، رسوایی دیگری به رسوایی های تا کنونی کاخ سفید افزود.

افشای توافقات پنهانی آمریکا با جمهوری اسلامی در مورد ارسال اسلحه به بوسنی دو مساله را بار دیگر با برجستگی به اثبات رساند:

اول آنکه دولت آمریکا علیرغم همه ادعاهایش مبنی بر ضرورت رعایت قطعنامه های سازمان ملل هرکجا که منافع اش ایجاب کند در نقض این قطعنامه ها و عدول از آنها تردیدی به خود راه نمیدهد. و تبلیغات آمریکا مبنی بر ضرورت رعایت قطعنامه های سازمان ملل فریبکاری بیش نبوده و برای وی اجرای این قطعنامه ها تا آنجا لازم و ضروری است که منافع آمریکا را تامین نماید. البته واضح است که امپریالیسم

آمریکا برای احراز از انجام علنی و رسمی این امر به نوکرانی چون رژیم جمهوری اسلامی احتیاج دارد که در عین مخالفت های ظاهری با آمریکا خواست های او را به مرحله عمل در آورند. این واقعیت بنوبه خود در ضمن یک جنبه از ضرورت تبلیغات آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی و ابراز باصطلاح ضدیت با این رژیم را آشکار میسازد.

دوم آنکه، افشای این امر که جمهوری اسلامی در پاسخ به خواست آمریکا مبادرت به ارسال اسلحه به بوسنی کرده است فاکت دیگری در اثبات سرسپردگی مقامات این رژیم به امپریالیسم را بدست داده و آشکار میسازد که سردمداران رژیم که هر روز در دستگاه های تبلیغاتی خود از تعارض سیاستهایشان با آمریکا سخن میگویند، در عمل مجریان حلقه بگوش سیاستهای امپریالیستی میباشند.

به این ترتیب افشای توافقات پنهانی دولت آمریکا

با رژیم جمهوری اسلامی در زمینه ارسال اسلحه به بوسنی آنهم در شرایطی که سازمان ملل ارسال اسلحه به این کشور را ممنوع نموده و دولت آمریکا ملزم به اجرای قطعنامه سازمان ملل در این زمینه بود همچون رسوایی ایران گیت و دهها رسوایی دیگر به آشکاری هم واقعیت ادعاهای ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی را روشن نمود و هم ماهیت تبلیغات آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی و بنیادگرایی او را که از قرار "صلح جهانی" را به خطر انداخته است. این رسوایی بار دیگر با وضوح نشان داد که جمهوری اسلامی رژیمی که آمریکا مدعی یاعی و نافرمان بودن وی میباشد در عمل سگ دست آموزی است که با "علامات و اشارات" اربابان امریکایی خود و با "چراغ سبز" آنها به هر اقدام ارتجاعی و جنایت کارانه ای دست می یازد.



مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

از صفحه ۱

نگاهی به گزارش فوق موید آن است که برغم آنکه ۵ سال از بازدید آخرین گزارشگر سازمان ملل - گالیندویل - از ایران میگذرد و برغم آنکه در طول این مدت ابعاد نقض

حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در زمینه هیبای مختلف هرچه وسیعتر و سیستماتیک تر شده است، گزارش بازرس جدید سازمان ملل حاوی چ نکته تازه ای نیست. برعکس بازرس کنونی تا آنجا که شرایط به او اجازه داده با استفاده از یک بیلماسی حقیر و ظفره رفتن از بیان صریح حقایق امتیازات فر اوانسی به سرمداران جلا در رژیم جمهوری اسلامی داده است. او در گزارش خود در مورد نقض حقوق بشر توسط رژیم هر جا که امکانی یافته به طرزی زیرکانه از "شانه های مثبت"، "جو آماده برای تغییر"، "بحثهای مربوط به بهبود وضعیت زنان"، "موارد پیشرفت"، و..... در جمهوری اسلامی دم میزند. از این رو وی برای هیچ ناظر مطلعی که اندک آگاهی از اوضاع ایران داشته باشد، شکی در جهت دار بودن گزارش خود باقی نمیگذارد. بطور خلاصه گزارش ۵۰ صفحه ای کاپیتورن در عین اینکه نمیتواند شواهد آشکار نقض حقوق بشر در ایران را نادیده بگیرد - اگرچه در این زمینه او صرفاً به بیان بخش بسیار جزئی از موارد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی اکتفا میکند - در همان حال از هیچ تلاشی برای کم رنگ ساختن جنایات این رژیم در حق توده های محروم ما دریغ نورزیده است. مرور برخی از محتویات گزارش بیلماسات سازمان ملل صحت این نتیجه گیری را به اثبات میرساند.

نقطه عزیمت گزارشگر ویژه سازمان ملل در تهیه گزارش این است که "موارد پیشرفت" در باصطلاح رعایت حقوق بشر در ایران را اعلام کند. ولی واقعیت این است که تنها کسی میتواند از موارد "پیشرفت" در این زمینه صحبت نماید که مقاصد سیاسی خاصی را دنبال میکند و الا با مطالعه رفتار رژیم در عرصه های مختلف اقتصادی - سیاسی و فرهنگی بر علیه توده های ما در سالهای اخیر کسی نخواهد توانست جرات حتی طرح "موارد پیشرفت" در رعایت حقوق

پیرامون "گزارش" موریس کاپیتورن

بشر در ایران را بکند. لگر معیار زمانی را دیدار ۵ سال پیش گالیندویل از ایران قرار دهیم با قاطعیت میتوان گفت که جمهوری اسلامی در طول این مدت در زمینه تعرض و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق توده ها نه تنها کوچکترین عقب نشینی ای صورت نداده بلکه در تشدید نقض حقوق بشر به "پیشرفتهای" بسیاری نیز دست یافته است که میتوان به برخی از مهمترین "موارد" آنها اشاره کرد. در سالهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی همچنان به اعدام زندانیان سیاسی ادامه داده و بسیاری از فرزندان مبارز خلق را که سالیان سال در سیاهچالهای جمهوری اسلامی تنها به جرم مقاومت بر اصول خود به سر میبردند را از دم تیغ گذرانده است. در این سالهاست که جمهوری اسلامی با تشدید سرکوب توده ها به وحشیانه ترین وجهی خواستهای عادلانه مردم محروم نظیر آب آشامیدنی را با گلوله پاسخ داده و برای نخستین بار از زمان قیام، مردم معترض را - نظیر اسلام شهر - از هوا و زمین قتل عام کرده است. در سایه عملکردهای سیاه جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر، زنان هرچه بیشتر مورد توهین و تحقیر قرار گرفته و در همه عرصه های اجتماعی کوشش شده که با جدا ساختن آنها از مردها و درست کردن سینما، بانک، اتوبوس و تاکسی زنانه و غیره به حقوق آنها هرچه وحشیانه تر تعرض شود. از دیگر موارد کارنامه سیاه جمهوری اسلامی از زمان دیدار نخستین گزارشگر حقوق بشر از ایران میتوان به تشدید ترور و آدم ربایی و قتل مخالفین جمهوری اسلامی - از ترکیه و عراق گرفته تا آلمان و فرانسه - توسط ساواک رژیم اشاره کرد. جدا از اینها در طول سالهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی با گذراندن انواع و اقسام لویح و قوانین سرکوبگرانه کوشیده است تا به تمام اعمال جنایتکارانه خود بر علیه توده ها لافافه "قانونی" دهد. در این زمینه میتوان به قانون استفاده از

سلاح گرم توسط نیروهای انتظامی برای سرکوب تظاهرات، لایحه مجازات اسلامی، تعیین مجازات اعدام برای کسانی که باصطلاح اطلاعات اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و غیره به مخالفین

جمهوری اسلامی بدهند و اشاره کرد. برای چنین رژیمی با این کارنامه، قائل شدن هرگونه ظرفیت گشایش و بهبود جز فریکاری محض نیست. با توجه به این واقعیت هنگامیکه بازرس سازمان ملل سخن از "اعلام" "موارد پیشرفت" در رعایت حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی به میان میآورد در حقیقت عمادته پایه فرض خود را بر محال استوار کرده و از همان ابتدا به مخدوش کردن آذهان عمومی در مورد ماهیت جمهوری اسلامی میپردازد.

سوازی این فرض، بیلماسات کاندایی در تهیه گزارش خویش به گفته خود تاکید اساسی را "بر گفتگو با مقامات رژیم" گذارده است. در حالی که تهیه یک تصویر جامع و صحیح از وضع حقوق بشر در ایران در اصل باید حاصل بررسی وسیع و نامحدود مدارک و شواهد نقض حقوق بشر، دیدار با قربانیان جور و ستم جمهوری اسلامی، ملاقات زندانیان سیاسی و خانواده شهدا و باشد. نماینده سازمان ملل در تهیه گزارش خود اکثراً با مقامات بالای رژیم - از جمله یزدی و دیدار کرده و با اینحال از آن به عنوان "یک نقطه شروع مناسب" یاد نموده است. روشن است گزارشی که عمدتاً حاصل گفتگو با مقامات بالای رژیم به عنوان ناقضان اساسی حقوق بشر در ایران است، گزارشی که تاثیر گرفته از محدودیتهای ایجاد شده توسط این مقامات نظیر عدم امکان تماس با زندانیان سیاسی و یا خانواده شهدا و میباشد، نمیتواند به هیچ رو بیطرف و منعکس کننده نقض فاجعه بار حقوق اساسی توده های محروم ما توسط رژیم حاکم باشد.

از مقدمه گزارش نیم بند نماینده سازمان ملل که بگذریم، در تنظیم محتوای این سند نیز تلاش بسیاری به کار گرفته شده تا ابعاد هجوم روز افزون رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به

ویژه سازمان ملل در برخورد به این واقعیت در واقع امتیاز دادن به مانورهای سیاسی فریبکارانه جمهوری اسلامی در جهت لایوشسانی نقض وحشتناک حقوق زنان توسط این رژیم است.

با این بررسی مختصر باید گفت که تا آنجا که به گزارش بازرس ویژه سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی باز میگردد، این گزارش نه تنها به هیچ وجه واقعیت روز افزون نقض وحشیانه حقوق توده های ستمدیده ما به وسیله حکومت جمهوری اسلامی را منعکس نمیکند، بلکه اتفاقاً میکوشد تا چهره خونخوار و دستان خونالود سردمداران رژیم در سازماندهی و تشدید جنایات گوناگون در حق مردم ایران را حتی المقذور کتمان سازد. هر جا هم که در گزارش مزبور به گوشه هایی از ابعاد وحشیانه و انکارناپذیر نقض حقوق بشر اشاره شده آنچنان وسواس و دقتی در بیان آن به کار رفته تا بار جنایات جلادان حاکم بر ایران حتی الامکان سبک گردد. با توجه به این واقعیت است که باید دید بر استی تلاش حقیرانه تنظیم کنندگان گزارش در راستای چه اهداف و سیاستهایی قرار دارد؟ و یا اصولاً گزارش ۵۰ صفحه ای بازرس سازمان ملل به کار چه کسانی می آید؟

حقیقت این است که موسساتی نظیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و دم و دستگاه آن در تحلیل نهایی جز ابزاری در خدمت پیشبرد اهداف و سیاستهای سازمان ملل متحد و بطور مشخص گردانندگان اصلی آن یعنی امپریالیستها و مرتجعین نیستند. امپریالیستها با به وجود آوردن و تغذیه مالی اینگونه موسسات نه تنها رُست ناجی خلقهای تحت ستم و مدافع حقوق بشر را میگیرند، بلکه همواره از موضوع حقوق بشر به عنوان یک ابزار سیاسی در جهت پیشبرد و تحکیم منافع خود و رژیمهای وابسته به خود بر علیه توده های محروم استفاده میکنند. رویه و برخورد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد جمهوری اسلامی نیز چیزی خارج از حیطه سیاست عملی و واقعی گردانندگان آن یعنی امپریالیستها در مقابل این رژیم نیست. این واقعیتی است که در چند سال اخیر دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم به تبع از منافع گردانندگان خود و برغم ماهیت خون آشام رژیم جمهوری

اعتراف میکند که زنان در بسیاری شرایط "سرکوب" میشوند بازم از محکومیت صریح جمهوری اسلامی طفره رفته و صرفاً به "اظهار نگرانی" اکتفا میکند. ولی در همین حال فراموش نمیکند که به مانورهای فریبکارانه جمهوری اسلامی در مورد باصطلاح بهبود وضع زنان در ایران امتیاز بدهد. در این رابطه او به شکلی بسیار رقت انگیز عنوان میکند که "مساله بهبود وضعیت زنان" در جمهوری اسلامی در "بسیاری از محافل" - وصد البته نه در سطح تصمیم گیریهای سیاسی دولت- "فعالانه" به "بحث" گذارده میشود. به این ترتیب نماینده ویژه سازمان ملل به خوانندگان گزارش خود اینگونه القاء میکند که به هر حال گویا در جمهوری اسلامی از دست اندکاران جمهوری اسلامی محافلی شکل گرفته و کسانی هستند که مساله بهبود وضع زنان در ایران مساله آنهاست و حداقل در جهت آن فعالانه بحث میکنند! در صورتیکه نگاهی به وضع زنان در ایران نشان میدهد که بواقع حقوق زنان در جمهوری اسلامی هیچگاه به اندازه امروز در معرض حملات سیستماتیک رسمی و غیر رسمی دستگاه حکومتی نبوده است. تا جاییکه حتی مجازات برای باصطلاح بدحجابی و بی حجابی - که خود اصولاً نقض فاحش حقوق زنان است- اخیراً از دستگیری و ارشاد و شلاق و یا پرداخت جریمه نقدی به زندان ارتقاء یافته است. امروز در تمام بلنگوهای تبلیغی رژیم بیش از هر زمان دیگری به تهدید و ارعاب زنان و تشویق حمله ارادل و اوباش حکومتی به آنان زیر نام "بهی از منکر" و "امر به معروف" تاکید گذارده میشود و زنان بیش از هر موقع دیگر در نوک تیز تعرض وحشیانه دولت قرار گرفته اند. تنها تفاوتی که در این زمینه در رفتار جمهوری اسلامی بر علیه زنان شاید بتوان بر آن انگشت گذارد این است که سردمداران جمهوری اسلامی در همان حال که شدیدترین محدودیتها را همه روزه به بهانه های گوناگون بر علیه زنان اعمال میکنند، و قبحانه یز دفاع از حقوق و آزادی زنان را نیز گرفته و با درست کردن موسساتی که اساساً چیزی از بوروکراسی دستگاه حاکم هستند و وظیفه آنها انحراف مسیر مبارزه و مقاومت زنان است، تمام اعمال نکیت بار خود بر علیه زنان ستمدیده را در تفکار عمومی به نام دفاع از حقوق زنان انجام میدهند. کار گزارش بازرس

تمام عرصه های اساسی حیات توده ها و جنایتهای هولناک دستگاه حکومتی در ایران لایوشسانی گردد. بعنوان نمونه لازم است ذکر گردد که گزارش گر ویژه سازمان ملل در مورد "اعدمها"، "نابین شدن ها و مرگهای مشکوک" از آنها بعنوان مواردی نام میبرد که به "تحقیقات بیشتری" نیاز دارد. این نتیجه گیری در حالیکه که بنا به اظهار خود کاپیتورن، او در ملاقات با مقامات جمهوری اسلامی لیست حداقل ۵۰ مورد اعدام و از جمله یک سنگسار را گوشزد کرده و از خبرگزاری چین که در ماه نوامبر با استناد به تائید یک مقام عالیرتبه دولتی از وقوع ۲۰۰۰ اعدام از سال ۱۹۸۹ به این سو خبر داده، نقل قول میاورد. برغم آنکه او جوبلی قانع کننده از طرف مذکره بدست نمیآورد اما همانگونه که گفته شد مساله اعدلمها در جمهوری اسلامی را به "تحقیق بیشتر حول موضوع مجازات اعدام در چارچوب مفاد میثاق" حواله میدهد. این تردستی و فریبکاری در حالی صورت میگیرد که اتفاقاً در زمینه اعدلمهای وحشیانه مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی و یا مجرمین عادی، رسوبی رژیم حاکم زیانزد خاص و عام است و اضافه بر آن رژیم جمهوری اسلامی از لحاظ تعداد اعدلمها در سطح جهان در سالهای اخیر همواره در صدر لیست رژیمهای جنایتکار قرار داشته است. همچنین در حالیکه در سالهای اخیر نقض مستقیم رژیم جمهوری اسلامی در ترور مخالفین و یاری بودن و شکنجه و قتل آنها در کشورهای مختلف برغم تمام پرده پوشی ها بیش از هر زمانی روشده است، در شرایطی که اسناد بدست آمده از برخی ترورها و آدم ربایی ها در یک مقطع کار را به صدور حکم بازداشت وزیر ساواک این رژیم کشاند، در حالیکه حتی شماری از رهبران اقلیتهای مذهبی ناسازگار با جمهوری اسلامی توسط عوامل این رژیم به قتل رسیده اند، گزارشگر سازمان ملل در حقوق بشر هنوز حتی در این موارد انکارناپذیر از محکومیت صریح جمهوری اسلامی طفره رفته و با ارجاع این موضوع به تحقیقات بیشتر در واقع به توهم پرکنی و تبرئه سران جنایتکار رژیم میپردازد. همین شیوه برخورد را میتوان در مورد وضع زنان در جمهوری اسلامی نیز دید. بدیلمات سازمان ملل برغم آنکه به خاطر شواهد انکارناپذیر، مجموعاً در مورد وضع زنان در ایران

حقوق بشر در ایران یکبار دیگر ماهیت واقعی و ادعاهای پوشالین موسساتی از این دست را در مورد دفاع از حقوق بشر رسوا کرده و همچنانکه تجارب تا کنونی اثبات نموده برغم باور ساده اندیشان، قطعنامه ها و محکومیت‌های ناشی از این گزارشات منجر به کوچکترین تغییر رویه ای از سوی رژیم جلااد جمهوری اسلامی بر علیه توده های تحت ستم ما نگشته و نخواهد گشت. هرگونه بهبود واقعی حقوق بشر در ایران قبل از هر چیز به نابودی قطعی دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر ایران و رژیم مدافع آن یعنی جمهوری اسلامی و تمامی دارو دسته های درونی آن گره خورده است.

ع - شفق

فروردین ۷۵

در نشست سالانه خود، آن رامینای بررسی وضع حقوق بشر در ایران و رویه جمهوری اسلامی در این مورد قرار دهد. به هیچ رو اتفاقی نبود که سر آخر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در نشست خود که به فاصله کوتاهی پس از انتشار گزارش کاپیتورن برگزار شد ضمن آنکه جمهوری اسلامی را با همان لحن همیشگی در مورد نقض حقوق بشر محکوم کرد، اما با کاربرد عباراتی نظیر "استقبال از همکاری دولت جمهوری اسلامی با نماینده ویژه" و یا "بیراز خشنودی از اینکه فضای تغییری که گمان می رود نماینده ویژه مشاهده کرده به بهبودهای مناسبی منجر گردد" و قطعنامه نهایی را تا حد بسیار زیادی ملایم نمود.

گزارش اخیر بازرس ویژه سازمان ملل در مورد

اسلامی، همواره کوشیده اند تا این حکومت را رژیمی "مستقل"، "معتدل" و "میانرو" جلوه دهند که در چارچوب ایجاد اقتصاد "بازار آزاد" و "بازسازی اقتصادی" روز به روز از معیارهای "بنیادگر یانه" و "فراطبی" سالهای انقلاب فاصله گرفته و - حداقل یک جناح آن - میکوشد که با خروج از "نزوای بین المللی" در "جامعه بین المللی" جای خود را باز کند. بر مبنای این سیاست است که گزارشگر ویژه سازمان ملل نیز به شکلی کاملاً آگاهانه با لاپوشانی تمامی واقعیات، در گزارش خود از "نشانه های مثبت" و "جو آماده برای تغییر" در برخورد رژیم نسبت به مساله حقوق بشر دم میزند و "همکاری" دولت ایران را می ستاید. آخر همه میدانستند که هر آنچه که بعنوان گزارش این بازرس به سازمان ملل ارائه شود، سندی خواهد بود که این سازمان



جاودان باد خاطره تمامی شهدای بخون خفته خلق!

اول ماه مه:

جلوه ای از مبارزه و همبستگی کارگران بر علیه نظام سرمایه داری

از صفحه ۱

در همین روز تظاهرات یکپارچه و دلاورانه هزاران کارگر معترض در ترکیه توسط پلیس این کشور به خون کشیده شد. در اسلامبول پلیس حافظ منافع سرمایه داران که با تجمع عظیم کارگران برای راهپیمایی مواجه شده بود به بهانه های مختلف شروع به تفتیش بدنی تظاهرات کنندگان کرد. این عمل مورد مخالفت و اعتراض کارگران واقع شد و هنگامی که آنها با اعمال خشونت پلیس سرکوبگر روبرو شدند، با سنگ به پلیس حمله کردند. پلیس جنایتکار بر روی تظاهرکنندگان بی دفاع آتش گشود و در نتیجه این وحشیگری حداقل ۲ کارگر کشته و ۱۰ تن مجروح شدند. شمار بسیار زیادی از کارگران نیز دستگیر شدند. در همین روز در شهرهای دیگر ترکیه نیز تظاهرات عظیمی که عمدتاً توسط گروه های چپ سازمان یافته بود با یورش وحشیانه پلیس به خون کشیده شد.

در اول ماه مه، ژاپن شاهد یکی از عظیم ترین راهپیمایی های کارگران در بزرگداشت این روز تاریخی بود. میلیونها کارگر معترض با بزرگداشت یاد رهبران رزمنده خود در شیکاگو، به برپایی اجتماعات و راهپیمایی پرداختند. شعار اصلی تظاهرات کارگران ژاپن مخالفت با بیکاری و اعتراض به سیاستهای ضد کارگری دولت حاکم بر این کشور بود.

در لهستان نیز چندین هزار کارگر اول ماه را به صحنه نمایش قدرت طبقه کارگر در این کشور بدل نمودند. تظاهرات وسیع کارگران در ورشو با حمله دار و دسته های فاشیست و ضد کمونیستی مواجه شد که با سنگ به صفوف کارگران حمله برده و درصدد ایجاد اختلال در جریان اول ماه مه برآمدند.

امسال در فرانسه مراسم روز جهانی کارگر به طور جدگانه توسط دو اتحادیه بزرگ کارگری برگزار شد. کارگران مبارز فرانسه که چندی

پیش بعنوان مرکز نقل و نیروی اصلی یک مقاومت پرشور توده ای دولت شیراک را در اجرای فرمهای ضدکارگری اش مجبور به عقب نشینی کرده بودند با شرکت وسیع خود در مراسم اول ماه مه امسال قدرت خود را یکبار دیگر در مقابل سرمایه داران و دولت فرانسه به نمایش گذارند.

دولت ضدکارگری حاکم بر چین امسال جشن روز جهانی کارگر را وحشیانه مورد هجوم قرار داد و تعداد زیادی از کارگران را دستگیر نمود. کارگران در گردهمایی وسیع در اول ماه مه بر علیه دولت چین شعار داده و قوانین ضدکارگری در چین را مورد حمله قرار دادند. لازم به تذکر است که در چین کنونی سالیانه است که دولت حتی حق اعتصاب را غیرقانونی اعلام کرده است.

در آلمان نیز مراسم روز جهانی کارگر به صحنه برخورد کارگران با پلیس سرکوبگر این کشور بدل گشت. هزاران کارگر خشمگین در بخش شرقی برلین با سازماندهی یک راهپیمایی بزرگ به اوضاع وخیم زندگی خود اعتراض کردند و بر علیه دولت شعار دادند. پلیس به راهپیمایی حمله برد و تعداد زیادی از کارگران معترض را دستگیر کرد. عده کثیری نیز در اثر ضرب و شتم وحشیانه پلیس مجروح شدند.

امسال جدا از تظاهرات و اجتماعاتی که از سوی کارگران و یا اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در کشورهای مختلف به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد، برخی از دولتها نیز برای سوار شدن بر موج نارضایتی کارگران و پیشبرد اهداف سیاسی خاص خود کوشیدند تا مراسم اول ماه مه را به دلخواه خود سازماندهی کنند. از جمله دولت کوبا برای اولین بار از سال ۱۹۹۲ یک تظاهرات عظیم را به مناسبت اول ماه مه در این کشور سازمان داد. دهها هزار کارگر

زحمتکش کوبایی در مراسم اول ماه مه امسال شرکت کردند. شعار اصلی این تظاهرات رفع تحریمهای اقتصادی امریکا از کوبا بود. در همین حال دارو دسته های ضدانقلابی موسوم به "طرفداران دمکراسی" نیز در این روز با اشغال یک کشتی خواهان برکناری فیدل کاسترو شدند.

مسکو نیز در اول ماه مه امسال شاهد راهپیمایی بزرگ هزاران هزار کارگر و رنجبر روسی بود. کارگران این کشور که در تحولات سالهای اخیر سنگین ترین بار ناشی از تغییرات عظیم اقتصادی سیاسی موسوم به "بازار آزاد" از سوی دولت یلتسین بر دوش آنها سرشکن شده است به سیاستهای اقتصادی دولت روسیه و وضع نابسامان خود اعتراض کرده و با حمل پرچمهای سرخ شعارهایی هم به طرفداری از باصطلاح حزب کمونیست روسیه سر دادند.

و بالاخره مراسم اول ماه مه امسال در انگلیس نیز به رسم هر سال جشن گرفته شد. در جریان گردهمایی امسال که عمدتاً توسط یکی از قوی ترین اتحادیه های کارگری انگلیس به نام TUC سازماندهی و با شرکت وسیع کارگران ترک برگزار گشت، سخنرانان مختلف و منجمله یکی از اعضای "چپ" حزب کارگر انگلیس به سخنرانی پرداختند و بر همبستگی بین المللی کارگران تاکید گذارند. در خاتمه راهپیمایی امسال که حدود ۵۰۰۰ تن در آن شرکت کردند، قطعنامه ای از طرف تظاهرکنندگان قرائت شد. لازم به یادآوری است که دولت انگلیس برای کاستن از بار مبارزاتی و سیاستی اول ماه مه و از ترس مواجه شدن با تظاهرات عظیم کارگران در این روز، اول ماه مه را تعطیل نکرده و به جای آن دوشنبه هفته بعد را تعطیل رسمی اعلام کرده است. امری که در اول ماه مه امسال نیز مورد توجه کارگران قرار گرفته و نسبت به آن اعتراض شد.

چین: ۶ سال پس از تیانامن (Tianamen)

نویسنده: لی مینگی

ترجمه از نشریه مانتلی ری ویو ژانویه ۹۶

نیروی کار (در تعارض با این ایده وسیعاً پذیرفته شده که نرخ بالای رشد اقتصادی چین مدیون سطح نازل بازدهی کیفی آن می باشد) دارای بویایی بیشتری نیز در زمینه بازدهی کیفی بود.

این موفقیت، مادامیکه چین به عنوان یک کشور انقلابی باقی میماند قابل وصول بود. اما با شکست انقلاب فرهنگی (که اعظم انرژی خود را پس از ۱۹۶۹ از دست داد)، طبقه حاکم شروع به تثبیت موقعیت خود نمود. اما چون طبقه کارگر کماکان به بهره مندی از "کار برای همگان" (IRB) ادامه میداد، توانایی طبقه حاکم در لخد ارزش اضافه محدود بود. این معضل، از نقطه نظر طبقه حاکم تنها با اعمال مکانیزم اقتصادی سرمایه داری یعنی نهایتاً با در هم شکستن "کار برای همگان" (IRB) قابل حل بود. مخلصه بر سر و علیه "کار برای همگان" (IRB) در مرکز به اصطلاح "رفرم اقتصادی" قرار

دارد. مجادله حول اقتصاد متکی بر بازار و اقتصاد برنامه ریزی شده بیان آکادمیک این مخلصه بود. دومی، البته نه به روی کاغذ بلکه در عرصه واقعی مبارزه نیروهای مادی جریان داشت. این مخلصات در ۱۹۸۹ به حد اعلای خود رسید.

اجتماعی میبایست از حد "معقولی" فراتر نرود، در غیر این صورت موجب "تن پروری" کارگران خواهد شد.

"کار برای همگان" (IRB) و حقوق اجتماعی دیگری که طبقه کارگر در چین انقلابی از آن برخوردار بود مزایایی صرفاً مادی نبودند بلکه تاثیر بسیار مهمی در روابط تولیدی داشتند. این حقوق اجتماعی بطور تلویحی بیانگر درجه کنترل کارگران در روند تولید، یعنی حقی بس با اهمیت تر از "حقوق مننی" قانونارسمی، در عرصه واقعی زندگی اکثریت توده ها بودند. برای مارکسیستها "کار برای همگان" (IRB) خود نمیتواند به بی کفایتی اقتصادی منجر گردد. درحقیقت پتانسیل تولیدی توده های کارگر تنها آن زمان آزاد خواهد شد که ایشان بر روند تولید کنترل حقیقی داشته باشند. در دوران مائو رکود اقتصادی چین به وقع شایان توجه می باشد.

شش سال قبل، بلافاصله پس از سرکوب جنبش دمکراتیک در چین، تقریباً تمامی روشنفکران لیبرال چینی و شاهدین غربی چنین پیش بینی نمودند که بدون "رفرم سیاسی"، "رفرم اقتصادی" در چین به شکست خواهد انجامید. علیرغم این هشدارها، میلیاردها دلار به داخل کشور سرزیر گریده است. اکنون نیک پیداست که سرمایه داران خود بهتر از تئوریسین هایشان و واقعیات موجود در چین را تخمین زده و ارزیابی نموده بودند. در واقع، بر مبنای رویدادهای پیاپی، میتوان گفت که موفقیت ارتش در شکستن تظاهرات تیانامن و حمله به حمایت کاریگری از این حرکت، به هموار سازی راه جهت توسعه هرچه بیشتر سرمایه داری یاری رساند.

رفرم، رخدادهای ۱۹۸۹ و سرمایه داری

علیرغم آنکه انقلاب سوسیالیستی چین نهایتاً در ساختن یک جامعه اصیل سوسیالیستی ناکام ماند، با این وصف چین پس از ۱۹۴۹ دیگر آن کشوری که سابقاً بود نمیتوانست باشد. جمهوری خلق چین محصول یک انقلاب سوسیالیستی بودو بیرق آن را نیز بدوش میکشید.

طبقه کارگر چین از حقوق اجتماعی وسیعی چون کار برای همگان (IRB - 'Iron rice bowl') مسکن تقریباً رایگان و نیز خدمات درمانی رایگان برخوردار بود، حقوقی که برای کارگران در جامعه سرمایه داری قابل تصور نیست.

در یک جامعه سرمایه داری، کارگران در تولید شرکت میجویند چرا که مجبور بداندند. تولید سرمایه داری بر سلسله مکانیزمهای جابرانه ای متکی است. برای مثال: مکانیزم بیکاری نقش لازم الاجرایی در حفظ حداکثر قابلیت بازدهی اقتصاد سرمایه داری داشته، از این رو بیمه

میانگین سالانه نرخ رشد تولید ناخالص ملی و نیروی کار در چین
مانوئلیت در مقایسه با کشورهای دیگر

نیروی کار	تولید ناخالص ملی (GNB)	
	۱۹۶۰-۱۹۷۰	۱۹۶۰-۱۹۸۷
۱۹۷۰-۱۹۸۰	(درصد تغییر)	
۱/۹	۱/۷	۶/۰
۱/۹	۱/۷	۳/۶
۲/۴	۲/۰	۵/۷
۱/۱	۱/۲	۳/۱
۲/۸	۲/۴	۶/۰
		صادرکننده نفت

(منبع: بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی ۱۹۸۰)

در سال ۱۹۸۹، طبقه کارگر چین، همچون همپرازان اروپای شرقی خویش، از تثبیت خود بمثابة یک نیروی مستقل و آگاه سیاسی ناتوان ماند. کارگران تا اندازه زیادی توسط روشنفکران لیبرال و حول برنامه سیاسی لیبرال سازی که نه حامی بلکه نافی منافع مستقل طبقاتشان بود به

میتوان مشاهده کرد که نرخ رشد اقتصادی چین نه تنها بیشتر از کشورهای توسعه یافته بلکه حتی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه نیز نسبتاً بالا بود. دشوار نخواهد بود چنانچه ادعا کنیم که چین، بر حسب نرخ بالاتر رشد قابلیت تولید

حرکت در آورده شدند. مع الوصف، ناتوانی طبقه کارگر چین در حضور یافتن در عرصه مبارزه به عنوان یک نیروی آگاه مستقل بدین مفهوم نبود که این طبقه (برخلاف اروپای شرقی) تهدید واقعی و بلافاصله ای را برای توسعه سرمایه داری بیار نیاورد. این تهدید واقعی در مجادله سیاسی بین روشنفکران لیبرال بلافاصله قبل از حوادث ۱۹۸۹ انعکاس یافت.

در این مجادله، شمار قابل توجهی از روشنفکران لیبرال چین به "حکومت مطلقه فردی نوین" علاقه نشان دادند. مخالفین این جبهه چنین اظهار میداشتند که پیرویه مدرنیزه سازی به خوبی ممکن خواهد بود هرچ و مرج اجتماعی و اغتشاشی اساسی بوجود آورد که سبب نابودی خود پروژه مدرنیزه سازی گردد. بدین دلیل، سیستم سیاسی که برندگی و قابلیت هدایت در جهت مدرنیزه سازی را داشته باشد نه مکرسی بلکه نوعی حکومت مطلقه فردی با رهبریت سیاسی تعطاف پنیر و قادر به اعمال فشار میباشد. میتوان اینگونه ترجمه کرد که رشد سرمایه داری بطور اجتناب ناپذیری با مخالفت و مقاومت توده های کارگر مواجه میشود، مخالفتی که خود میبایست با سرکوب سیاسی جواب داده شود و الا توسعه سرمایه داری فقط به شکست منتهی میگردد. در حقیقت، آنانی که خود را "مکرات" خطاب مینموندند، موافقت کردند که مبارزه شان برای حقوق دمکراتیک نباید نظم اجتماعی را که در راستای سرمایه داری سمت و سو داده شده مختل نماید. در آخرین دقایق، طرحهای فرخوان برای یک قیام توده ای رد شده و به کنار نهاده شدند. مکرسی بدین ترتیب سرکوب و سرمایه داری حفظ گردید. پس از شکر آب اولیه میان طبقه حاکم و روشنفکران، دو طرف سریعاً به قرارداد اجتماعی جدیدی دست یافته و بدان رضایت دادند. طبقه حاکم برخی مزایای اقتصادی- اجتماعی را به روشنفکران اعطاء نمود و وعده تکنوکراسی ای را بدلتان داد که در آن بتوانند بیش از پیش در تصمیم گیری های سیاسی مشارکت داشته باشند.

روشنفکران در عوض قول دادند تا از "رفرم" حمایت و بر علیه "کار برای همگان" (IRB) مبارزه نمایند. در نتیجه، تأثیر سیاسی اپوزیسیون

لیبرال (که پایه های اجتماعی آن به روشنفکران محدود میشد) سریعاً فروکش نمود.

بدون رهبری سیاسی، غیر محتمل است که خشم طبقه کارگر بتواند سر به یک طغیان ملی بزند. چین از ثبات سیاسی برخوردار است و این فضای مطلوبی برای سرمایه گذاری بوجود میآورد. ثبات سرمایه داری بر همین مبنا و به همان سرعت در حال حرکت است. نرخ رشد اقتصادی چین طی ۳ سال اخیر معادل ۱۲/۷ درصد در سال ۹۲، ۱۳/۴ درصد در سال ۹۳ و ۱۱/۸ درصد در سال ۹۴ بوده است. در واقع، جهش اقتصادی چین از بقیه جهان پیشی بسته است.

IRB و سرمایه داری چین

با این وصف، آمار مربوط به رشد اقتصادی چین، نه در ارتباط با خصوصیات کیفی سرمایه داری چین چیزی به ما میرساند و نه چگونگی مسیر دراز مدت توسعه سرمایه داری چین را مشخص مینماید.

طبقه کارگر چین از یک شکست سیاسی رنج برده است، اما معضل "کار برای همگان" (IRB) هنوز بطور کامل حل نشده است. در سال ۱۹۹۲، طبقه حاکم موج جدیدی از "رفرم" را در تلاش برای شکستن "کار برای همگان" (IRB) و آن هم یکبار برای همیشه براه انداخت. این حرکت طبقه حاکمه با مقاومت طبقه کارگر روبرو شد. در برخی موارد، کارگران به خشونت متوسل شده، سرپرستان و روسای کارخانه را به قتل رساندند. در نتیجه طبقه حاکمه، هر اسان از اوج گیری هرچه بیشتر و غیرمنتظره اینگونه عکس العمل ها، عقب نشینی نمود.

پس از رفرم ارضی، دهقانان را شنند تا به نیروی کار آزاد بدل گردند. در اوایل دهه ۸۰، چین دارای نیروی کار "مازادی" در حدود بیش از یک صد میلیون نفر در مناطق روستایی بود. یک چنین ارتش نخبیره کار به چین امکان داد سرمایه داری را با گسترش سرمایه گذاری روستایی و سرمایه گذاری خصوصی و بکارگیری سرمایه خارجی توسعه بخشد. بدون

این نیروی کار "مازاد"، طبقه حاکم چین مجبور بود قبل از افتادن به مسیر سرمایه داری جنگ مستقیمی را بر علیه طبقه کارگر (که به هیچ وجه ساده هم نمیبود) اعلان نماید. این همان سلسله روابط طبقاتی ویژه ای (بخشا منعکس کننده رشد نسبتاً وارونه نیروهای مولده در چین) است که به سرمایه داری چین این اجازه را میدهد تا برخلاف اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق فلج نشده بلکه توفیق یابد.

پس از ۱۶ سال از توسعه سرمایه داری، بخش دولتی همچنان نقش مرکزی و حیاتی در اقتصاد چین ایفاء مینماید. چنانکه زانگ یوکای معاون وزیر وزارت امور مالی میگوید: "سرمایه گذاری های بخش دولتی، خصوصاً سرمایه گذاری های کلان و متوسط، عمده بر آورده کنندگان انرژی، وسائط نقلیه، مواد خام با اهمیت و ابزار آلات تکنولوژیک میباشد. در سال ۱۹۹۳، مجموع ارزش دارایی بیش از ۸۰ هزار فقره از سرمایه گذاری های صنعتی در تملک دولت، بالغ بر ۶۶ درصد ارزش دارایی کل سرمایه گذاری های موجود بود. ۶۰ درصد از درآمد دولت از محل سرمایه گذاری های دولتی تأمین گردید. سرمایه گذاری های دولتی در مقایسه با سایر سرمایه گذاری ها نقش رهبری کننده ای در صنایع عمده و بخش های استراتژیک ایفاء کرده و به تکنولوژی بهتری مجهز میباشند. این سرمایه گذاری ها بطور قیاسی از نقطه نظر برنامه های تحقیقات توسعه در موقعیت برتری قرار دارند. در رابطه با قابلیت بارآوری کار تولیدی کار، سرمایه گذاری های دولتی نسبت به سایر سرمایه گذاری ها همچنان در موضع برتر و غیر قابل مقایسه ای می باشند."

مادامیکه طبقه حاکم نتواند معضل "کار برای همگان" (IRB) در بخش دولتی را که همچنان پایرجاست از سر راه بردارد، نخواهد توانست بخش وسیعی از مولدترین کارگران را بطور تام و تمام مورد استثمار قرار دهد. در نتیجه، سرمایه گذاری های دولتی نمیتوانند امر ثبات سرمایه داری را به طرز نرمال به انجام رسانند. در اوایل دهه ۹۰، چنین ارزیابی شد که یک سوم سرمایه گذاری های دولتی متحمل ضررهای آشکار گردیده در حالیکه یک سوم دیگر آن اگر چه به یک چنین زیانهای دچار نشده ولی کسری

بودجه در این شعب، سرمایه گذاری مجدد را عقیم گذارده است. این بدان معناست که بخش اعظم سرمایه گذاری های دولتی نه تنها ناتوان از انباشت سرمایه داری است بلکه در دراز مدت حتی ممکن است قادر به باز تولید خود نباشند. با در نظر گرفتن اهمیت سرمایه گذاری های دولتی، مطلب فوق میتواند مانی جدی بر سر راه انباشت سرمایه داری در آینده ایجاد نماید. اینکه آیا سرمایه داری چین قادر خواهد بود این موانع را از سر راه خود بردارد موضوع قابل بحثی است.

دولت، منطقه گرایی و رشد وابسته

یک دولت مقتدر و کار آمد برای رشد و توسعه موفقیت آمیز سرمایه داری در عصر جدید بطور طبیعی امری الزامی است، چیزی نظیر آنچه در کره جنوبی، تایوان و سنگاپور موجود است. هر یک از این کشورها رشد اقتصادی خود را بر پایه اقتصادی قویا متمرکز و دخالت عمده دولت بنا نهاده اند. این نکته نه تنها از این جهت که هماهنگ سازی دولتی نقش مهمی در بهبود کارایی اقتصاد کلان ایفاء مینماید شایان توجه است بلکه از این زاویه نیز که کشورهای در حال توسعه تنها با دخالت فعال دولت قادر به تثبیت رشد مستقل تکنولوژیکی و به هر اندازه رهایی خویش از وابستگی به تکنولوژی و کالاهای سرمایه ای خارجی میباشند، حائز اهمیت است.

به همین دلیل، ضروری است تا خصوصیات دولت چین را مورد بررسی قرار داده و ببینیم که این خصوصیات چگونه مسیر توسعه سرایه داری چین را مورد تاثیر قرار داده اند. قبل از "رفرم"، دولت اساسا کل اقتصاد را کنترل میکرد.

در سال ۱۹۷۸، سرمایه گذاری های دولتی ۷۷/۶ درصد تولید ناخالص صنعتی را شامل میشوند، اما در سال ۹۲ این موازنه تنها به ۲۸/۱ درصد بالغ میگردد. از سوی دیگر، سهم "سرمایه گذاری های اشتراکی" (که بیشتر آن به سرمایه های روستایی مربوط میباشند) به ۳۸ درصد و سرمایه گذاری های خصوصی به ۱۳/۹ درصد

ترقی پیدا کرد.

توسعه فعالیت های اقتصادی سرمایه داری و نیمه سرمایه داری بر پایه نیروی کار "مازاد" در مناطق روستایی، یعنی نیروی کاری که میتوانیم از آن بعنوان پرولتاریای جدید چین نام ببریم، استوار میباشد. این پرولتاریا از آگاهی و روحیه مبارزاتی کمتری نسبت به پرولتاریای پیشین در پروژه های اقتصادی دولتی برخوردار است. اینان نه تنها فاقد حقوق سوسیالیستی "کار برای همگان" (IRB) میباشند بلکه حتی از پایه ای ترین حقوق مدنی، که ورد زبان روشنفکران اصلاح طلب است، نیز محروم اند. از دیدگاه سرمایه داران، نظام اقتصادی متکی بر چنین نیروی کاری مقرون به صرفه است.

نظر به قابلیت های مکانیزم بازار، این فعالیتهای اقتصادی سرمایه داری و نیمه سرمایه داری سریعاً در شماری اندک از ثروتمندترین استانهای چین تمرکز یافتند. و از آنجا که منافع اقتصادی اینان ضرورتاً منطبق با منافع اقتصادی توسعه سرمایه داری ملی نمیشد لذا نیازمند یک تئوریت سیاسی میباشند تا که از منافع خاص آنان حمایت به عمل آورد. دولتهای ایالتی، در مقایسه با دولت مرکزی، منافع مشترک بیشتری با اینان داشته و میتوانند نیاز آنان به حمایت سیاسی را برآورده نمایند. یکی از پیامدهای این امر آن است که تمرکز فعالیت های سرمایه داری و نیمه سرمایه داری در شمار قلیلی از استانها، اساساً موقعیت این استانها و متقابلاً موقعیت دولت مرکزی را

تقویت نموده است.

در همان حال، بسیاری از کمپانیهای بوروکراتیک - کمپرادور طی دوران "رفرم" به طرز چشم گیری در استانهای حاشیه ای رونق یافته اند. این کمپانی ها، بسیاری از اعضاء طبقه حاکم را به میلیونر و حتی میلیاردر تبدیل کرده اند. در نتیجه اتحادی از دول ایالتی، موسسات سرمایه داری و نیمه سرمایه داری و کمپانی های بوروکراتیک کمپرادر پدید آمده که به سرعت موازنه قدرت بین حکومت مرکزی و دول ایالتی را تغییر داده است. تضعیف دولت مرکزی میتواند در این وضعیت مشاهده گردد که بدون در نظر گرفتن سرمایه گذاری های دولتی سهم اعتبارات مصرفی دولت مرکزی در تولید ناخالص ملی از ۱۴/۵ درصد در ۱۹۷۸ به ۷/۱ درصد در سال ۱۹۹۲ کاهش یافته و این در حالی است که سهم سرمایه گذاری دولتی نسبت به سهم کل سرمایه گذاریها از ۱۶ درصد در ۱۹۸۵ به ۴/۳ درصد در سال ۱۹۹۲ تقلیل یافته. نتیجتاً، توانایی دولت در هماهنگ سازی رشد اقتصادی بنیاداً تضعیف شده و لذا در رشد سرمایه داری چین به چندین طریق موثر واقع گردیده است: بدون برنامه ریزی موثر اقتصادی، موسسات سرمایه داری و نیمه سرمایه داری و دول ایالتی کورکورانه دست به چنان سرمایه گذاری هایی میزنند.

ادامه دارد

تصحیح و پوزش

در مقاله "حزب کمونیست کارگری" و مساله ملی مندرج در پیام فدایی شماره ۵ و ۶ در نو جا کلمه مغایرت به اشتباه معاضدت چاپ شده است که ضمن پوزش از خوانندگان به این ترتیب به تصحیح آنها اقدام میشود.

در پیام فدایی شماره ۵ صفحه ۱۲ ستون اول خط ۱۸ ".... و معاضدت آن" باید به ".... و مغایرت آن" تبدیل شود. به همین ترتیب در پیام فدایی شماره ۶ صفحه ۶ ستون اول پاراگراف دوم خط دهم جمله "اساساً با مارکسیسم در معاضدت قرار میدهد" باید به "اساساً بامارکسیسم در مغایرت قرار میدهد" تبدیل گردد.

گوشه هایی از جنایات دستگاه سرکوب رژیم در ماههای اخیر

از صفحه ۲۴

آمده افزوده اند. در همین رابطه میتوان به حمله لراذل و اوباش جمهوری اسلامی به نام "انصار حزب الله" به یک سینما در تهران اشاره کرد. در جریان این هجوم که با حمایت نیروهای انتظامی رژیم صورت گرفت، مزدوران رژیم به ضرب و شتم تماشاچیان و گردانندگان سینما پرداختند که منجر به آسیب دیدن یک زن حامله و سقوط او از بالکن سینما شد.

همچنین در اواخر فروردین ماه پاسداران به آپارتمانی در تهران که جشن تولد یک جوان ۲۳ ساله در آنجا جریان داشت حمله برده و به توهین و کتک زدن شرکت کنندگان در این جشن پرداختند. در نتیجه ضرب و شتم پاسداران، جوان مزبور از بالکن ساختمان به پایین پرتاب شده و در دم جان سپرد. اسم این جوان علیرضا فرزانه فر بود.

وبالآخره در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه اعلام شد که جلالان رژیم جمهوری اسلامی ۲ زندانی سیاسی هوادار کومه له به نامهای سلیم صابرنیابو مصطفی قادری را پس از ۵ سال و ۷ ماه شکنجه وحشیانه اعدام کرده اند.



خانه در استامبول به طرز وحشیانه ای به قتل رسیدند. در همین حال با دستگیری عرفان چاغرچی یک تروریست مزدور جمهوری اسلامی و رهبر گروه "عمل اسلامی" ترکیه پرده از گوشه ای از فعالیتهای تروریستی وسیع جمهوری اسلامی در ترکیه برداشته شد. او ضمن اعتراف به ربودن و شکنجه و قتل فجیع ۲ تن از هواداران سازمان مجاهدین در ترکیه به دستور جمهوری اسلامی (سال ۹۲)، نام ۱۳ تن از تروریستهای رژیم جمهوری اسلامی که تحت نام دبلمات در سفارتخانه و کنسولگری ایران در ترکیه خدمت میکنند را رو کرد. عرفان چاغرچی در ایران آموزشهای تروریستی دیده و برای عملیات خود از دبلماتهای جمهوری اسلامی سلاح و مهمات دریافت کرده بود. بنیبال این افشاگری ها ترکیه ۴ تن از دبلماتهای رژیم را از این کشور اخراج کرد. جدا از سازماندهی آشکار و پنهان قتل و ترور مخالفین توسط رژیم جمهوری اسلامی، مقامات حکومت در ماههای اخیر به نحو کم سابقه ای بر شنت سرکوب و خفقان بر علیه توده های به جان

خبر داد که در میدان قدس سرستان مردی به نام جمشید یدالهی توسط حکومت به دار آویخته شده است. جرم او "درگیری مسلحانه با نیروهای رژیم" و اعلام شد.

روز ۲۷ اسفندماه ۴ تن از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران توسط مزدوران جمهوری اسلامی در کردستان عراق ترور شدند. این عده در روستای بهرکه استان اربیل توسط ماموران ساواک جمهوری اسلامی به گلوله بسته شده و به قتل رسیدند. در این حمله تروریستی تعدادی دیگر نیز زخمی گشتند. در همین ماه ۲ تن دیگر از پیشمرگان حزب دمکرات که در زندان ارومیه منتهما تحت شکنجه قرار داشتند نیز تیرباران شدند. مزدوران رژیم این ۲ تن را قبلا توسط نیروهای وابسته به خود از اربیل ربوده و به ایران انتقال داده بودند.

روز ۲ فوریه ۲ تن از اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت نیز توسط تروریستهای جمهوری اسلامی در یک





جان پناهجویان متحصن ایرانی در چنگال پلیس ترکیه در خطر است!

مردم آگاه، نیروهای انقلابی و مبارز!

گزارشات منتشره حاکی از آن است که روز جمعه ۱۰ فروردین دهها تن از پناهجویان ایرانی در آنکارا که بمناسبت ۱۲ فروردین (سالروز تاسیس جمهوری اسلامی) به تظاهرات و افشاکری بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پرداخته بودند، برای دومین بار ظرف ماههای اخیر با هجوم وحشیانه پلیس ترکیه به اجتماع خود مواجه گشتند. در جریان این یورش عده زیادی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و دستگیر شدند. حال دو تن از مصدومین بنامهای "حسین محمدپور" و "محمد دود کاتلو" به حدی وخیم شد که به بیمارستان انتقال یافتند. همچنین یکی از مصدومین در اثر شدت اعمال خشونت به حمله قلبی دچار شد. بر طبق آخرین اخبار، پلیس ترکیه یکی از مصدومین بستری را برغم آنکه به مراقبتهای پزشکی احتیاج داشت، از بیمارستان روانه زندان کرده است. در مجموع تا زمان انتشار این خبر تعداد پناهجویان دستگیر شده به ۶۴ تن میرسد و امنیت آنها در چنگال پلیس سرکوبگر ترکیه به طور جدی در معرض خطر قرار دارد. پناهجویان دستگیر شده که در "امنیت سرای" آنکارا به سر میبرند، در اعتراض به دستگیری خود و وحشیگری پلیس ترکیه دست به اعتصاب غذا زده اند.

گزارشات منتشره همچنین حاکی از آن است که تداوم بازداشت ۶۴ پناهجوی ایرانی در شرایطی که تنها حدود ۱۵ نفر از دوستان آنها در دفتر حزب متحد سوسیالیست ترکیه باقی مانده اند، این احتمال را مطرح ساخته که دولت ترکیه برای درهم شکستن اتحاد و یکپارچگی و مقاومت طولانی پناهجویان، بازداشت شدگان را به کمپهای مختلف فرستاده و به این ترتیب شرایط سرکوب حرکت پناهجویان را هرچه بیشتر مهیا سازد. در عین حال که بر بستر ماماشات جویی های UNHCR ترکیه که مدعی دفاع از حقوق پناهندگان است، خطر دیپورت پناهجویان توسط دولت ترکیه همچنان بطور جدی بر زندگی آنها سنگینی میکند.

مجموعه شرایط فوق بار دیگر بر ضرورت جلب هرچه بیشتر افکار عمومی به اوضاع خطرناک پناهجویان متحصن ایرانی ترکیه و تداوم حمایت از آنها توسط تمامی نیروهای انقلابی و مبارز تاکید میورزد. ما ضمن محکوم کردن اقدام وحشیانه پلیس ترکیه در سرکوبی پناهجویان ایرانی خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان هستیم. ما همچنین رفتار غیر مسئولانه UNHCR ترکیه بر علیه پناهجویان را شدیداً محکوم نموده و هشدار میدهیم که رسیدگی فوری به وضع پناهجویان و خواستهای عادلانه آنها و مسئولیت تضمین امنیت و انتقال آنها بعنوان پناهنده به کشورهای پناهنده پذیر بر عهده این نهاد است.

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۹۶/۳/۱



روز جهانی کارگر گرامی باد!

کارگران مبارز!

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز نمایش همبستگی مبارزاتی کارگران سراسر جهان است. روزی که کارگران با خویاندن چرخ تولید و برگزلی نمایشات، میتینگ ها و گردهم آیی های بزرگ توده ای قدرت جهانی خود را به نمایش میگذارند. در این روز طبقه کارگر خاطره فراموش نشدنی مبارزه خونین کارگران قهرمان "شیکاگو" را گرامی داشته و ضمن اعتراض به زورگویی ها و ستمگریهای بورژوازی بر تحقق خواستهای عادلانه خویش تاکید میورزد.

جنبش کارگران "شیکاگو" برای ۸ ساعت کار در روز در شرایطی وحشیانه به خون کشیده شد که بورژوازی با تحمیل ۱۸ ساعت کار روزانه به سیو عانه ترین شکل کارگران را استثمار میکرد. اما علیرغم همه سرکوب ها و وحشیگری های بورژوازی، طبقه کارگر با همبستگی مبارزاتی و با مبارزات بی امانش بر علیه سرمایه داری سرانجام نه تنها این خواست بلکه صدها خواست دیگر را نیز به بورژوازی تحمیل نمود.

امسال طبقه کارگر در شرایطی اول ماه مه را جشن میگیرد که بورژوازی امپریالیستی در سراسر جهان تعرض وحشیانه ای را به دستاوردهای مبارزاتی کارگران سازمان داده است. در کشورهای متروپل، آنجا که مهد تمدن سرمایه داری تلقی میشود، آشکارا بدیهی ترین حقوق کارگران مورد سوال قرار گرفته و هر روز به بهانه ای یکی از دستاوردهای مبارزاتی کارگران باز پس گرفته میشود. در شرایطی که پیشرفتهای عظیم تکنولوژی ضرورت کاهش ساعات کار را با برجستگی تمام مطرح و آنرا به واقعیتی انکارناپذیر در جامعه تبدیل نموده، بورژوازی بخاطر حفظ سودهای باد آورده اش نه تنها کاهش هر چه بیشتر ساعات کار را نمیپذیرد بلکه دسته دسته کارگران را از کار بیکار نموده و به این وسیله صفوف ارتش عظیم بیکاران را فشرده تر میسازد.

شرایط کار و زندگی کارگران در کشورهای تحت سلطه بمراتب از شرایط کار و زندگی هم طبقه ای های خود در کشورهای متروپل دشوارتر میباشد. در این کشورها در دهه آخر قرن بیستم کارگران همچنان در شرایط قرن نوزدهم زندگی میکنند. در شرایط سرکوب پلیس و عدم رسمیت حداقل حقوق شناخته شده کارگری، آنها به وحشیانه ترین شکلی استثمار شده و سودهای میلیونی برای صاحبان سرمایه ایجاد میکنند. نمونه بارز این وضع را به آشکاری میتوان در ایران مشاهده نمود.

در ایران در زیر سلطه سپاه رژیم جمهوری اسلامی، در شرایطی که هرگونه ندای حق طلبانه کارگران در گلو خفه میشود و رژیم لایبی ندارد که کمترین خواستهای آنان را با باران گلوله از زمین و هوا (همچون مورد سرکوب زحمتکشان "اسلام شهر") پاسخ گوید، بورژوازی بدون پذیرش هرگونه مسئولیتی نسبت به سرنوشت کارگران، دسته دسته آنها را اخراج نموده و در فقر و فلاکت رها میسازد؛ و این در شرایطی است که خود مقامات رژیم اعتراف مینمایند که بیش از نیمی از مردم در زیر خط فقر زندگی میکنند. در اینجا نه از کاهش ساعات کار خبری هست و نه از افزایش دستمزدها متناسب با رشد تورم. از تشکل های مستقل کارگری و حق اعتصاب هم که نمیتوان سخن گفت. خلاصه در شرایطی حقوقی غیر قابل تصور طبقه کارگر ایران و در شرایطی که آنها حتی امکان برگزلی آزادانه جشن اول ماه مه را نیز ندارند، بورژوازی همچون حیوانی خون آشام به جان آنها افتاده و خونشان را میمکد.

علیرغم همه دمنشی های بورژوازی اما مبارزه کارگران در سراسر جهان بر علیه نظم بیدانگانه موجود لحظه ای هم متوقف نگشته و به اشکال مختلف تداوم دارد. مبارزه ای که به کارگران سراسر جهان آموخته است که اگر چه چک و چانه زدن برای کسب سهم هر چه بیشتری از "محصول کار" به جای خود مفید و ضروری است، اما تا مبارزه اقتصادی طبقه کارگر به مبارزه برای نابودی کل سیستم موجود و استقرار سوسیالیسم ارتقاء نیابد، امری راهی کارگران میسر نمیشود. ولی واقعیت این است که دستیابی به چنین هدف بزرگی تنها از طریق نبرد متحد و متشکل خود کارگران امکان پذیر میباشد. واقعیتی که هر ساله در اول ماه مه کارگران با سردادن سرود بین المللی خود بر آن تاکید مینمایند. آنها که ندا سر میدهند:

"کسی نبخشد رهایی به ما

نه یزدان و نه شاه و نه قهرمان

رهایی خود را بدست آوریم

همانا به نیروی بازویمان"

نابود باد نظام ظالمانه سرمایه داری در جهان!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

پیروز باد رزم انقلابی کارگران سراسر جهان!

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران - اردیبهشت ۱۳۷۵

در ادامه ترجمه سلسله مقالاتی مربوط به اوضاع کنونی روسیه، در این شماره از پیام فدایی ترجمه دو مطلب دیگر راجع به روسیه را درج میکنیم. شایان ذکر است که این مقالات توسط نادر ثانی از نشریه سوئدی پرولترن به فارسی برگردانده شده است.

طرح خصوصی سازی در روسیه با شکست مواجه شده است

نوشته استقان لیندگرن

کارشناس در تغییر و تحولات اخیر روسیه

مردم روسیه خود نتایج مورد قبول خود را از این اوضاع میگیرند و بی دلیل نیست که در تمامی انتخابات اخیر این کشور لیبرالها با شکست مواجه شده و هرچه بیشتر از جایگاه های قدرت کنار زده میشوند. اما هنوز از کسی مسئولیتی در مورد آنچه که بر سر کشور و مردم آن رفته است، خواسته نشده است.

و "روسیه شناسان" جولم غربی به روی خود نمیآورند. انگار که تفاق نیفتاده و "اصلاحات لیبرالی" مورد نظر آنها هنوز در جریان است که بتوان آن را از چنگال "نیروهای سیاه روسیه" دور ساخته و در امان نگاه داشت!

برخی از بوریس یلتسین بعنوان یک نمکرات یاد میکنند. انگار که برای گلوله باران پارلمان روسیه در سال ۱۹۹۳ و هجوم به چین و ویران سازی آن در خلال سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ کوچکترین ارزشی قائل نیستند.

گروه دیگری از اوج گرفتن موج جنابیت در روسیه و صدور این جنابیتها به جولم غربی گفته و از کوچ قریب الوقوع عده بسیاری از روسیه به جولم غرب میگویند. با اینکه از بیان این پیشگوییها چند سالی میگذرد و روسیه هنوز از حتی سوئد پاکتر است!

در سال ۱۹۹۳ این به اصطلاح روسیه شناسان بیان میکردند که ارتش روسیه در تضادهای داخلی نخالته نخواهد کرد. وقتی که تنها چند هفته پس از ایراد این بیانات نیروهای نظامی به

مرسدسهای ۵۰۰ و ۶۰۰ به فروش میروند که این ماشینها در کل اروپای غربی به فروش درمی آیند! در روسیه امروز سطح زندگی بیش از ۲۰ میلیون نفر در زیر مرز فقر قرار دارد و تنها یک دهم درصد از مردم درآمدی معادل بالای ۸۰۰ دلار در ماه دارند! تولید کشور در خلال پنج سال ۵۰ درصد کاهش داشته است و گفته میشود که گذشت دستکم ۱۰ سال لازم است تا میزان تولید به همان میزان سال ۱۹۹۰ برسد! نرخ تورم با وجود اینکه در سال گذشته پایین آمده و به قول مقامات "قابل قبول" شده است به بیش از ۲۰۰ درصد در سال بالغ مییابد. کشور تا آن حد زیر بار قرض خارجی قرار گرفته است که نیمی از تمامی درآمد صادرات به پرداخت تنها بهره های این قروض اختصاص داده شده است. طلای پشتوانه ارزی کشور، طلایی که در بانک مرکزی روسیه موجود بود، تقریباً تمام شده است. میزان ارزی که از کشور خارج میشود به مراتب بیشتر از میزان ارزی است که به کشور وارد میشود و کسی جو لیگوی شکست برنامه های اقتصادی تحمیل شده به روسیه نمیباشد.

روسیه شناسان؟

اگر بخواهیم از "موقفیتهای" روسیه در خلال این سالها یاد کنیم میتوانیم از اینکه این کشور در خلال سالهای اخیر توانسته است در دو مورد به کتاب رکوردهای گینس راه یابد نام ببریم. این دو مورد کدامند؟ اول اینکه در هیچ کشوری به اندازه روسیه نمایندگان پارلمان کشور به قتل نرسیده اند و دوم اینکه در هیچ کشوری میزان ورشکستگی به اندازه روسیه نبوده است! بدیهتها

طرح خصوصی سازی در روسیه با شکست فاجعی روبرو شده است. وزیر خصوصی سازی، تویاجس، از مقام خود برکنار شده است. شهردار مسکو، لوشکوف، که یکی از سیاستمداران با نفوذ روسیه به شمار میرود، و طی منتهی طولانی در زمره سیاستمداران حامی یلتسین به شمار می آمده است، دیگر نه تنها از رهبران روسیه میخواهد که فروش تمامی شرکتهای، کارخانجات و ادارات دولتی را متوقف سازند که با شدت تمام درخواست بازخرید برخی از این شرکتهای را بوسیله دولت مطرح ساخته است.

مسئولین زیر پل نحو ابیده اند!

در زمانهای قدیم در روسیه از مهندسی که پلی برای راه آهن ساخته بود خواسته میشد که زمانی که نخستین قطار از روی آن پل رد میشد زیر آن پل بخوابد. اما امروزه برای افرادی که فراطمی ترین آزمایشات اقتصادی ماوراء لیبرالی را در این کشور به اجرا درمی آورند قاعده ای مشابه این خواسته موجود نمیباشد. آنها کشور را به پرتگاه سقوط سوق داده و خود ثروت کلانی به جیب میزنند. روسیه در راه رسیدن به فاجعه اجتماعی عظیمی است و در بیراهه ای افتاده است که برای اکثریت مطلق شهروندان این کشور چیزی جز فقر، گرسنگی و جنگ داخلی در برنخواهد داشت.

واقعیت تلخ این است که امروز در مسکو همزمان با آنکه راهروهای سالنهای مترو مملو از گدا شده است، به همان تعداد ماشینهای

پارلمان حمله ور شدند، "کارشناسان" به روی خود نیاورده و دم لر دم برنیاورند.

و واقعا چگونه میتوان از تعجب زده شدن جلوگیری نمود، زمانیکه مسئول دولت سوئد در امور روسیه اعلام میدارد که در روسیه فقط مادران تنها دارای مشکلات سخت اقتصادی هستند. چرا که در میان مردم ستمنیده این کشور یکی از تنها گروههایی که دارای مشکلات اقتصادی عظیمی نیستند مادران تنها میباشند!

جالب اینجاست که جسورترین "اقتصاددانان لیبرال" اکنون که آزمایشاتشان در روسیه با شکست مواجه شده است، روی به اوکراین آورده و خواستار پیاده کردن آزمایش خود در این کشور هستند!

خلاصه کنیم: نوشته ها و گفته های این "روسیه شناسان" قهار تصویری کاملا نادرست از "اصلاحات روسیه" به مردم جوامع غربی و افکار عمومی این کشورها داده است. در واقع این اصلاحات چیزی جز در هم کوبیدن آگاهانه پایه های اقتصادی روسیه دربرداشته است و بدون شک سخت ترین شکست اقتصادی بوده که در کنار خرابیهای جنگ جهانی دوم به یک جامعه صنعتی تحمیل شده است. خرابی حاصل از این "اصلاحات" به اندازه ای است که در برخی از موارد حتی خرابیهای جنگ جهانی دوم را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است. "الکساندر مینکین"، یکی از لیبرالهای سرشناس مسکو، در نشریه "استرانا ای میر" چنین نوشته است:

"ختران ما که در جنگ پیروز شده بودند، آگاهی از هدف خود، خود را به آلمانی های شکست خورده میسپارند. پیش خدمتایمان با عجله کمر به خدمت آنان می بندند. رانندگان تاکسی مان در مقابل آنان مودب شده و آنقدر مجذوب آنان شده اند که فراموش میکنند ساعت کارشان به سر آمده است. آری، آلمانیها اکنون دیگر به هدف هیتلر رسیده اند: مواد خام ما از جمله نفت را به دست آورده اند و حتی یک سرباز را هم به کشتن نداده اند! هیچ خونی بر هیچ زمینی نرسیده است و تنها سلاحی که به خدمت گرفته شده است، مارک است! آلمانیها توانسته اند نشان بدهند که احتیاجی نداشته اند که نیروی کار را به اجبار و در

کامیونهای در بسته به آلمان بکشانند. نیروی کار خود توان توان به آلمان آمده است و در صورت نیاز بلیط مسافرت را نیز خود ابداع کرده است!"

دولت بخشی از بهای کالاهای وارداتی را میپردازد

خرد کردن صنعت روسیه زیر نظارت مستقیم صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که به صراحت اظهار میدارند که روسیه به جای بالا بردن سطح صنعت خویش باید به وارد نمودن کالاهای مورد نیاز خود بپردازد، صورت میگیرد. همزمان با این مساله که اجازه داده شده است که جمع میزان پول در روسیه در خلال سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳، به میزان ۹۰ برابر افزایش یابد (یعنی در واقع تورمی معادل با ۹۰۰۰ درصد!) نرخ تصمیمی دلار بوسیله دولت بین ۴۵۰۰ تا ۵۱۰۰ روپل تعیین شده است! این امر نشاندهنده این واقعیت است که در روسیه امروزی دولت پرداخت غیرمستقیم بخشی از بهای کالاهای وارداتی را قبول کرده است. این مساله به سود بخشهای صنعتی غرب بوده و پایه و اساس صنعت خود را در هم میکند. درست از اینروست که صنعت ماشین سازی در روسیه به زانو درآمده است. آری بدینگونه در روسیه امروزی ماشینهای ساخت روسیه بهایی تقریبا معادل ماشینهای مطلوب غربی پیدا کرده اند!

کسی که این روزها بخواهد در روسیه با سیگار و یا ویسکی امریکایی جان خود را بگیرد کافی است در مسکو و یا در هر شهر دیگر روسیه به فروشگاههای رفته و بهایی برابر نیمی از بهای این کالاها در فروشگاههای بدون مالیات فرونگاهها در غرب را بپردازد! و صد البته ساخت مشروبات الکلی و خرید و فروش آنها که در سالیان منید پیش بوسیله فردی لیبرال به نام "سرگی ویت" انحصاری شده بود توسط لیبرالهای نوین روسیه از انحصار درآمده و کاملا آزاد شده است!

معادلات روسیه امروزی قابل حل نمیباشند! با وجود افزایش خارج از تصور میزان پول در روسیه افزایش حقوق کارمندان نتوانسته است

جولگوی تورم حاکم باشد. در خلال سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ سهم حقوق از میزان ناخالص تولید ملی از ۷۰ درصد به ۲۰ درصد کاهش یافته است.

دارایی های نظام حکومتی چوب حراج خورده اند

قانون خصوصی سازی داراییهای ملی در روسیه در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید. به موجب این قانون در همان سال ۱۹۹۲ باید معادل ۵۰ درصد از کل وسایل تولیدی به فروش رسیده، و تا سال ۱۹۹۵ تا رقم ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش پیدا میکرد. بدیهتا درآمدهای نظام حکومتی با در نظر داشتن شرایط جاری در خلال این سالها دچار نزول بسیار شده و در طی "سال بزرگ خصوصی سازی" یا به عبارت دیگر سال ۱۹۹۵ به یک و نیم میلیارد دلار کاهش یافته است.

در تمامی اروپا، حتی در کشورهایی که بوسیله رژیمهای کاملاً دست راستی اداره میشوند، خصوصی کردن بخشی از داراییهای ملی به زمانیکه دولت میتواند است بهایی مناسب دریافت بکند موکول شده است و چه یسا دولتهایی که برای بالا بردن بهای فروش این بخشها چندین بار فروش را به عقب انداخته اند. اما در روسیه از این خبرها نیست! نتیجه این امر واضح است: صنعت روسیه به بهایی بسیار نازل و غیرواقعی خصوصی شده است. کل بهایی که دولت روسیه برای خصوصی کردن صنایع این کشور به دست آورده است از بهایی که کشور چکسلواکی به هنگام خصوصی کردن صنایع خود به دست آورد، کمتر بوده است!

گذشته از این، تعداد خریدارها در روسیه بسیار محدود بوده است. از آنجا که در هنگام اعلام خصوصی کردن شرکتها و کارخانجات ۲۰ درصد از سهام به مدیران این شرکتها و کارخانجات و گذار گردید، کسب اکثریت سهام برای آنان کار دشواری نبود. در عمل بسیاری از شرکتها و کارخانجات به موسساتی که شبیه مدلی که قبلا در یوگسلاوی به اجرا درآمده بود، که توسط مدیر، کارمندان و کارگران این موسسات اداره میشوند درآمده اند. قابل توجه اینجاست که

این مدل در یوگسلاوی آزمایش خوبی از خود نشان نداده و موفق نبوده است. و باید اضافه کرد که قدرت اصلی در روسیه هنوز در کف بوروکراتهای دولتی میباشد.

لکنون پس از گذشت منتهی کوتاه از سرعت خصوصی سازی کاسته شده است و لیبرالهایی چون "گایداری" از فرصت استفاده کرده و فریاد برآورده اند که "این امر اثبات آن است که محافظه کاران اصلاحات را متوقف ساخته اند". واقعیت امر آن است که تمامی لقمه های دهان گیر صنعت روسیه به فروش رفته اند.

لما عدم ثبات و اطمینان سیاسی، رژیم حاکم بر روسیه را ناچار ساخته است تا فروش برخی از شرکت های سهامی را تا اول سپتامبر ۱۹۹۶ به عقب بیندازد. و این امر به نظام حکومتی اجازه و امکان آن را میدهد، که لگر فردی که علاقه ای به حفظ قدرت دولت بر برخی از این شرکتها داشته باشد در انتخابات به ریاست جمهوری برگزیده شود، کنترل این شرکتها را در دست بگیرد.

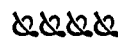
برای اینکه آنچه را که در روسیه امروز میگذرد درک نماییم باید علایق طبقاتی را مورد مطالعه قرار دهیم چرا که این علایق دروغ نمیگویند:

- روسیه هرچه بیشتر تبدیل به کشوری که تولید کننده مواد خام بوده و یادآور کشورهای جهان سوم عضو اوپک میباشد، شده است. کالاهای مورد نیاز کشور از طریق وارد کردن آنها حاصل میگردند. بیش از نیمی از تولید داخلی در خلال پنج سال گذشته از بین رفته است و بخش ناچیزی از اجتماع که در راس آنها گروه کوچکی از بورژوازی کمپرانور و بوروکرات (پلتسین، چرنومردین و از این قماش) قرار گرفته است، قدرت خود را برپایه ای که از فروض خارجی و مالیاتی که بر صادرات نفت و گاز بنا شده است استوار کرده اند. به یاد داشته باشیم که بعنوان نمونه خانواده چرنومردین بزرگترین سهامدار منفرد در صنعت گاز روسیه به شمار میرود. نوروف نمونه دیگری از بورژوازی است که در مقاله شماره ۲ به وی اشاره شده است.

بورژوازی انحصاری دولتی که بازمانده ای از

دوران پیشین است (بعنوان نمونه آرکادی وولسکی و گروه های گوناگونی از مدیران شرکتها) بخش دیگری از بورژوازی حاکم بر روسیه را تشکیل میدهد. این بخش در برخی از موارد جلوه ای مانند بورژوازی ملی از خود نشان داده و بطور نمونه از علایق ملی روسیه حمایت کرده و بر علیه در هم پاشی کامل ساختمان تولیدی جامعه برپای میخیزند.

- در کنار این گروهها به خرده بورژوازی نوپایی برخورد میکنیم که در اثر خصوصی سازی شرکتها، کارخانه ها و موسسات گوناگون به وجود آمده است. باید اضافه نمود که در روسیه امروزی در اینجا در مجموع به همان تصویری برخورد میکنیم که در جوامع جهان سوم موجود میباشد. گروه های گوناگون خرده بورژوازی در میان بورژوازی کمپرانور و خیل عظیم توده های تهیدست قرار گرفته و قادر به رویارویی در مقابل کمپرانورها نمیشوند. خلاصه کنیم: پلتسین قدرت خود را برپایه ای که از قهر ضد انقلابی تشکیل شده بنا نهاده و هرگز تردیدی در مورد استفاده از این قهر به خود راه نداده است.



روسیه امروز معجونی از ویلاهای تجملی و بی خانمانان

نوشته ای از یوران والن

"تراگوسلاو" و همکاران او شش روز در هفته صبح سحر از خواب بیدار میشوند. لباسهای خود را پوشیده و با قطار به مسکو که در حدود ۵۰ کیلومتر از محله ای که در آن مسکن دارند، میروند. از ایستگاه مسکو قطار پیاده به سرکار ساختمانی خود میروند. محل کار آنها ویلایی سه طبقه، بزرگ و تجملی است که دارای ۲۳ اتاق میباشد! سالن پذیرایی ویلا آنقدر بزرگ است که یادآور سالن یک کلیسای بزرگ میباشد و بدیهتها در این ویلا تمام آنچه که مافیای تازه به دوران رسیده و مقتدر روسیه ضروری میدانند، یافت میشود!

اولین چیزی که پس از ورود به ویلا جلب نظر میکند آبشار سه طبقه مصنوعی زیبایی است که با چراغهایی دلفریب، که مارک ساخت سوئد را بر خود دارند، در گوشه ای از حیاط قرار گرفته است. دو استخر، یکی در حیاط ویلا و دیگری در دخل ساختمان ویلا، با افسونگری خاص خود دلربایی میکنند. دو حمام سونا فضای گرم و نرمی را برای میهمانان مهیا کرده است. در سرخانه مملو از کالاهای گوناگون خاویار روسی و شیشه های شامپاین به بازدید کننده لبخند میزنند. موزیک ملایمی از بلندگوهایی که در گوشه و کنار خانه نصب شده، پخش شده و آرام بخش وجدان شاید ناآرام صاحبخانه و میهمانان او میباشد.

نزدیکترین همسایه این خانه یکی از ژنرالهای ارتش است. ویلای ژنرال، سبزرنگ و چوبی است اما حتی به اندازه یک سوم ویلای مجلی که مورد بحث ماست و متعلق به فردی مافیایی میباشد، نیست. شیشه های پنجره های ویلایی که در لگوسلاو در آن کار میکند، تماما از آن نوع شیشه هایی است که در درون ویلا میتوان بیرون را دید اما از بیرون درون دیده نمیشود. این شیشه ها به صاحبخانه مافیایی توان آن را میدهند که بر آنچه که در خارج خانه میگذرد کنترل داشته باشد. این مساله که کالاهای مرغوب ساختمانی در روسیه کمیاب شده اند امری حل ناشدنی برای صاحبخانه نمایانند. او تمامی مواد مورد نیاز را از سوئد تهیه کرده و به روسیه وارد میکند.

مافیای روسیه مشکل اساسی است.

یکی از مشکلات این از ما بهتران، حتی لگر خود مانند صاحب ویلایی که از آن صحبت میکنیم، از اعضاء تعیین کننده مافیای روسیه باشند، رویارویی با مافیای این کشور است! در بسیاری از مواقع زمانی که راننده کامیونی که از سوئد کالایی را به روسیه حمل میکند از خواب شبانه بیدار شده و به سوی کامیون خود میرود، متوجه میشود که بار کامیون به کلی خالی شده است! کامیونی متعلق به مافیای روسیه در کنار کامیون راننده بینوا قرار گرفته و تمامی بار کامیون به این یکی منتقل شده و خلاصه جا خالی است و بار

که "ساکنی تازه برای روسیه ای نوین" نام گذاری کرده اند در دست ساختمان دارد. خانه هایی که بین ۵۰ تا ۷۰ هزار دلار قیمت دارند، مانند قارچ در این گوشه و آن گوشه مسکو ساخته می شوند. خانه هایی که یک کارگر معمولی روس برای خریدن آنها باید بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ سال کار کرده و تمامی حقوق خود را پس انداز نماید! و ۶۰۰ تا ۸۰۰ سال کار و خرجی برابر با صفر در این سالها میتواند فردی همپراز در اگوسلاو را صاحب ویلایی دو طبقه با گارژی خصوصی و ویلا بنماید! محاسبه اینکه چند هزار سال کار میتواند برای خرید ویلایی همپراز با ویلای صاحبخانه مافیایی ما کافی باشد از توان ما خارج میباشد!

و به یاد داشته باشیم که در کنار کاخهای عظیمی که در مسکو برپا میشوند و اقیانوس دیگری در جریان میباشد. تنها در ماه دسامبر سال گذشته بالغ بر ۶۰۰ نفر در مسکو از سرما یخ زده و مردند. در سال اخیر تهیستی و فقر عده هرچه بیشتری را ناچار ساخته است تا به ایستگاههای قطار و مترو پناه آورده و در این اماکن به گدایی بپردازند و صد افسوس که آنان که کاخها را در کنار کوخها بنا کرده اند و میکنند نیازی ندارند تا سوار قطار یا مترو بشوند تا شاهد یکی از نتایج مستقیم تغییرات عظیم روسیه نوین باشند.

ادلمه دارد



مغازه ها و کیوسکها وجود دارد و بهای هر شیشه آن معادل یک و نیم تا سه دلار است.

مسئولان شرکت ساختمانی معتقدند که کار با کارگرهای خارجی بسیار ساده تر از کار با کارگرهای روس میباشد. درست از این روست که باید گفت که با وجود اینکه بیکاری در روسیه غوغا میکند در این کشور کارگرهای ساختمانی صرب، یونانی و ترک به وفور یافت میشوند. در مسکو به اندازه ای بناهای جدید درست ساختمان است که کارگر ساختمانی بیکار به ندرت پیدا میشود. دولت پروژه ساختمانی عظیمی را در مرکز مسکو آغاز کرده و از اینرو بسیاری از ادارات، شرکتها و موسسات دولتی و خصوصی ناچار به ترک ناحیه مرکزی مسکو شده اند. در مجموع ۲۸۵۰۰ مترمربع در بهترین ناحیه تجارتي مرکز مسکو تبدیل به ویلاهای مجلل میشود!

در گوشه و کنار مسکو برای آنهایی که دستشان به دهانشان میرسد اما پولشان از پارو بالا نمیرود، برای بخش فوقانی طبقه متوسط، ویلاهایی بین ۱۰۰ تا ۶۰۰ مترمربع در دست ساختمان میباشد.

در ماه دسامبر ۱۹۹۵، ششصد نفر

در مسکو از سرما مردند

یک شرکت بزرگ کالیفرنایی پروژه عظیمی را

بر باد رفته است! کار به جایی رسیده است که راننده های روس کامیونها که دیگر به این اوضاع خو گرفته اند، یاد گرفته اند که همواره در کاروان بار را از جایی به جای دیگر ببرند و زمانیکه به خواب میروند دو کامیون را از پشت به هم بچسبانند!

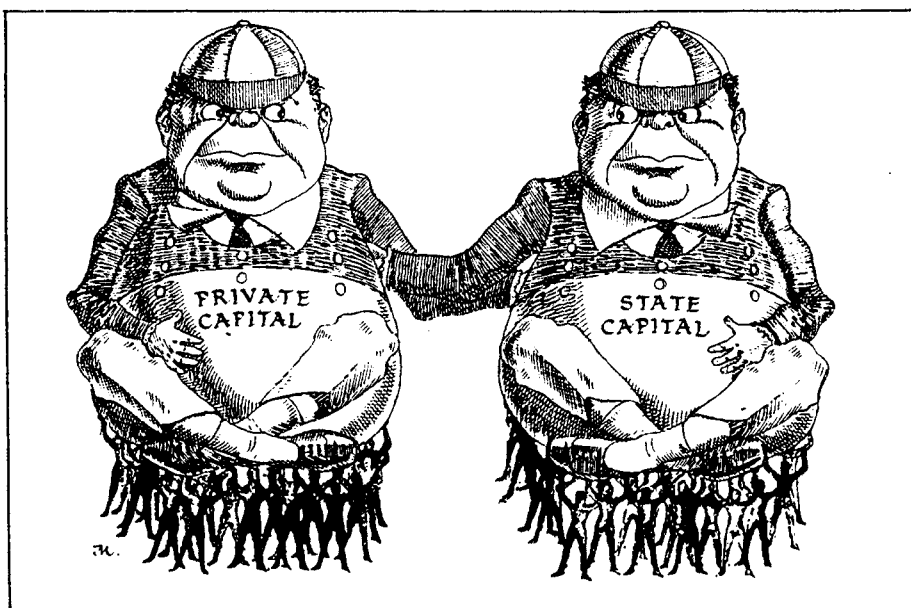
در اگوسلاو و دوستانش ساعت هشت و نیم سرکار خود در ویلای تجملی صبحانه مفصلی میخورند. ساعت دو موقع نهار است. کار ساعت پنج تمام میشود و در اگوسلاو و همکاران او مسکو را ترک کرده و به سوی محلات مسکونی خود روانه میشوند. هوا روشن است و در این روشنایی میتوانند ویلاهای متعدد مجللی را که این گوشه و آن گوشه پریاشده اند و یا در حال ساخته شدن میباشدند نظاره گر باشند.

کارگران خارجی بی در دسر تر

هستند

در اگوسلاو و همکاران او روس نیستند. آنها صرب هستند و برای یک شرکت ساختمانی بین المللی کار میکنند. حقوق متوسط ماهانه یک روس حدود ماهی ۹۰ دلار است. حقوق در اگوسلاو ماهی ۱۲۰ دلار، و آن هم نه به روبل که به ارز خارجی، میباشد. در اگوسلاو بسیار فقیرانه زندگی کرده و بخش بزرگی از حقوق خود را پس انداز میکند. شرکت به او و همکارانش در یک ساختمان بزرگ مسکن داده است و آنها برای اتاقهایی که چهار تا چهارتا در آنها زندگی میکنند لچاره نمیبپردازند. در تمامی ساختمانها حمامهایی محقر و فقیرانه وجود دارد که کارگران عادلانه آنها را با سوسکها و جیرجیرکهای فراوانی که در آنها اینور و آنور میروند تقسیم میکنند.

در مغازه ها کالاهای وارداتی به اندازه کافی پیدا میشود اما قیمتها بالا بوده و همپراز قیمت این کالاها در کشورهای اروپای غربی میباشد. معمولا پاره نان و تکه پنیر و یا گوشتی محقر غذای شبانه را تشکیل میدهد. کارگران در اتاقهای محقر خود پای تلویزیون نشسته و شیشه و دکایی را تقسیم میکنند. و دکا به وفور در تمامی



پیام فدایی و خوانندگان

ترکیه

استرالیا

ر-ع با سلام و آرزوی موفقیت. نامه تان را دریافت کردیم. از این به بعد نشریه بطور مرتب به آدرس تان ارسال میشود. در ضمن چگونگی آبونمان نشریه در پیام فدایی قید شده است.

آلمان

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر (ولحد هانوفر) ر-م با دروهای انقلابی نامه تان را دریافت کردیم. در مورد ارسال "پیام فدایی" اقدام کرده و امیدواریم که نشریه بطور مرتب به دستتان برسد.

آلمان

مسئولین مرکز فرهنگی ایرلینان مقیم هایدلبرگ با سلام و آرزوی پیروزی. نامه تان را دریافت کردیم. ترتیب ارسال مرتب نشریه برایتان داده شده است. برای شما در پیشبرد فعالیتهای فرهنگی تان آرزوی موفقیت داریم.

آلمان

ر-ر با دروهای انقلابی نامه تان را دریافت کردیم. در انتظار ارسال مدارک و اسنادی که گفته اید هستیم.

امریکا

رفقای میامی با دروهای انقلابی. نامه تان را دریافت کردیم. از تلاش تان در تهیه و ارسال اخبار سپاسگزاریم. از آنجا که تاکید کرده اید امکان ترجمه اخبار و مقالات مورد نیاز پیام فدایی برایتان وجود دارد، امیدواریم که از این به بعد ترجمه این مطالب را بر ایمان ارسال نمایید.

ایران از دریچه آمار

* بنابه آخرین گزارش مرکز آمار ایران در مورد بودجه خانوارهای شهری، سهم هزینه مسکن در کل هزینه های مصرفی یک خانواده شهری به طور متوسط در سال ۱۳۷۳ معادل ۳۲ درصد بوده است.

* بهروز بوشهری مدیر عامل منطقه آزاد قشم اعلام کرد که مجموع سرمایه گذاریهای تعهد شده سرمایه گذاران در قشم در ۱۱ ماه گذشته به میزان ۳ میلیارد دلار رسیده است.

* به گزارش سازمان یونیسف میزان با سوادی در ایران اکنون ۷۶ درصد است.

* به گفته علیرضا مرنندی وزیر بهداشت و درمان شمار بیماران قلبی هر سال در ایران ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش مییابد. او تاکید کرده است که روند رشد تعداد بیماران قلبی بویژه در میان جوانان صعودی بوده است.

* به گزارش ماهنامه صنعت حمل و نقل تعداد شاغلین در بخش خدمات در ایران از ۲/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۶/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ رسیده است. در همین حال ۹۰ درصد مشاغل که در این ۱۵ سال ایجاد شده در بخش خدمات بوده است.

* رسانه های خبری جمهوری اسلامی اعلام کردند که روزی ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار ساعت وقت مردم تهران در ترفیک تلف می شود. تلویزیون جمهوری اسلامی با اعلام این خبر اضافه کرد که در حالیکه وسائط نقلیه توان جابجا کردن روزانه ۸ میلیون نفر را دارند ۱۲ میلیون نفر در سطح شهر تهران جابجا میشوند.

* به گزارش روزنامه کیهان صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی در سال ۷۲ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۵ درصد کاهش یافته و از ۳/۵ میلیارد دلار در سال ۷۳ به ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۷۴ رسیده است.

* بانک مرکزی گزارش داد که میزان نقدینگی در جمهوری اسلامی با رشدی معادل ۳۱/۲ درصد در سال ۷۴ نسبت به سال ۷۳ به رقم ۷۳۵۳ میلیارد تومان رسیده است.

* روزنامه ایران نوشت که بنابه آمار منتشره از سوی اداره آمار آلمان در این کشور ۱۰۶ هزار و ۹۷۹ نفر ایرانی زندگی میکنند.



ر-م با دروهای انقلابی، گزارشاتی که فرستاده بودید رسید. برخی از کتابهایی که خواسته بودید را تهیه و بزودی برایتان ارسال مینماییم.

ترکیه

ر-آ با سلام و آرزوی موفقیت. نامه تان رسید. در رابطه با خواست تان اقدام کردیم. به امید اینکه هرچه سریعتر بتوانید بر مشکلات خود فائق آید.

ترکیه

ر-ا با دروهای انقلابی خبرنامه های ارسالی بدستمان رسید. برای شما و همه رفقا و دوستان متحصن در ترکیه آرزوی موفقیت و پیروزی داریم.

سوئد

ر-ع با دروهای انقلابی نامه تان را دریافت کردیم. در مورد ارسال "پیام فدایی" اقدام کرده و امیدواریم که نشریه بطور مرتب بدستتان برسد.

کانادا

ر-ح با آرزوی موفقیت و پیروزی. در رابطه با خواستی که داشتید اقدام کردیم امیدواریم که مشکلاتتان هرچه زودتر برطرف گردد

کامکار باش و کامیاب.

واقعیّت تو یاد میدهد به من
که در این کویر
آب را بجویم از فراتر از چهارسو سراب.

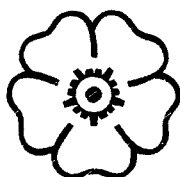
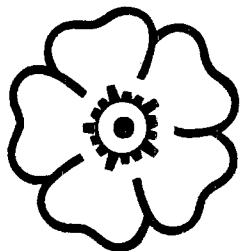
همه دروج را
خشم بی امانت آتش است:
ای برای هرچه میکشد نفس به روی خاک
رای خوشنواى تو هوای پاک؛
وی برای هرچه خاک تشنه لب
-از پس صفیرهای ناگزیر تاب و تب-
روال روشن تو آب ناب!
چار عنصر از تو بارور،
هان!

برادرم!
آفریدگار هرچه نیکی است و راستی
در این جهان،
کارگر!

اول ماه مه ۱۹۸۰- تهران

اسماعیل خویی

(از مجموعه کابوس خونسرشته بیداران)



آفریدگار هرچه نیکی است و راستی

هان!

برادرم!
ای درفش بازوان پرتوان تو
این زمان
اهرم عظیم انقلاب!
در بزرگراه سرنوشت خویش
همچنان

به پیش
می خروش و می شتاب.

در نثار خون تو به خاک شب
ریشه می تند نهال آفتاب.

با شرار خشم تو
درگذار شب
چلچراغ هیچ اختری نمی رود به خواب.

در مدار چشم تو
هرچه مردمانه است
جاودانه است و بی کرانه،
مثل مرگ، مثل زندگی،
مثل شعر، مثل اضطراب.

هرچه هست از این زمان و جاودان
زنده و تپنده در مسیر عزم و رزم توست.

باش و در مسیر رزم و عزم خویش

* نشریه امریکایی "یواس نیوز اندور لدر بیور" با چاپ مقاله ای ضمن بررسی فعالیتهای جمهوری اسلامی در بالکان نوشت "مسلمانان بوسنی به طور کلی بیشتر از آنچه که افرادی مومن باشند، بی اعتقاد هستند. با این حال شواهد موجود نشان میدهد که اتحادی که بنا به یک ضرورت و با حمایت ضمنی و اشنگتن در زمان جنگ بین حزب سیاسی حاکم عزت بگوچ رئیس جمهور بوسنی و ایران شکل گرفت، به یک جای پای محکم بنیادگرایی در بوسنی تبدیل شده است.

* بنابه گزارشات منتشره روز ۱۶ اردیبهشت ماه دولت ضدخلقتری ترکیه یکی از پناهیجویان ایرانی که سالها در زندانهای رژیم به سر برده بود را تحویل مزدوران رژیم جمهوری اسلامی داد. وی مهرداد کاووسی نام داشته و اخیرا پس از ۱۰ سال از سیاهچالهای جمهوری اسلامی آزاد شده و به ترکیه گریخته بود.

* وزارت امور خارجه هلند با انتشار نامه ای به وزارت دانگستری این کشور، ایران را کشوری امن خطاب نموده و به این وزارتخانه اعلام کرد که حقوق بشر در ایران "پیشرفتهای مثبت" کرده است. حرکت اخیر وزارت امور خارجه هلند دست این دولت را برای اخراج و بازگرداندن هزاران پناهیجویی بلاتکلیف در این کشور باز گذارده است.

* در مراسم نماز جمعه اهواز امام جمعه این شهر بار دیگر ضمن توصیه به کارگران به کار بیشتر، آنها را تهدید کرده و به اتهام زنی بر علیه کارگران پرداخت. او تاکید کرد که "و اما کارگرا هم وظایفی دارند و کارگر اگر کم کاری بکند خیانت کرده به بیت المال، خیانت کرده به جامعه، آنهایی که کم کاری میکنند، سستی میکنند، دیر میروند سرکار، زود از سرکار برمیگردند، این ها هم خیلی خسارت دارد، خیلی گرفتاریها، ضایعات دلرد برای انسان."

* به اعتراف خبرگزاری دولتی رژیم در فروردین ماه یک حادثه انفجار در کارخانه اکسیرن ساوه باعث کشته شدن مسئول بخش تولید این کارخانه شد.

* در فروردین ماه با اعلام افزایش بهای سوخت بین ۳۰ تا ۵۰ درصد توسط دولت قیمت تقریباً تمامی مایحتاج و کالاهای اساسی نیز بشدت بالا رفت. بهای نان بربری تا ۳ برابر افزایش یافت. پیاز و سیب زمینی تا کیلویی ۲۵۰ تومان و شیر از شیشه ای ۱۶ به ۲۰ تومان رسید. همچنین قیمت گوشت از ۱۰۰۰ تومان به ۱۳۰۰ تومان افزایش یافت. قند و شکر کوپنی تا ۳ برابر و روغن نباتی نیز ۵ برابر گران شد.

* در اواخر اردیبهشت ماه گروهی از ایرانیان در بن در دفاع از جان ۴۰ تن از زندانیان سیاسی به برپایی یک تظاهرات یک ساعته اقدام نمودند. در اعلامیه این تظاهرات آمده که ۳۸ تن از زندانیان در اوین به سر برده و ۲ نفر دیگر به نامهای کریم طهماسب پور در تبریز و بهنام علی آبادی در زندان گرگان هستند و در معرض اعدام قرار دارند.

* بدنبال اعتراضات مردمی و ناآرامیهای اواخر اردیبهشت ماه در تبریز رژیم ضدخلقتری جمهوری اسلامی حداقل ۵ تن را به جرم شرکت در اعتراضات ضد رژیم در تبریز به دار آویخت. اخبار اعدام این عده توسط روزنامه همشهری نیز تأیید شد. مزدوران رژیم به اعدام این عده که همگی جوانان ۲۲-۲۳ ساله بودند اکتفاء نکرده و برای زهر چشم گرفتن از توده های خشمگین تبریز جسد آنها را به مدت چند ساعت در نقاط مختلف شهر تبریز در معرض دید قرار دادند. بر طبق گزارشات منتشره مقامات رژیم از ترس تداوم درگیریها و اعتراضات اخیر در تبریز نیروهای امنیتی را به حال آماده باش درآورده و در نقاط مختلف تبریز مستقر نمودند. در همین حال مسئول امور قضایی تبریز و فرماندار مزدور این شهر نیز از اعدام جوانان مبارز دفاع کردند.

* رفسنجانی روز شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه در تهران ضمن افتتاح "سمینار فقرزدایی" رژیم ادعا کرد که در جریان ۱۷ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی از تعداد فقرا در ایران کاسته شده است. رفسنجانی با نامیدن رژیم پهلوی به عنوان عامل اصلی فقر مردم ایران ادعا نمود که رژیم او فقرا را از رقم ۴۷ درصد در زمان شاه به ۱۷ درصد در حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل کرده و از این نظر جمهوری اسلامی توانسته به "شاخص های افتخار" در فقر زدایی برسد.

* به اعتراف رئیس جمهور بوسنی هم اکنون دهها تن از مزدوران نظامی کارکشته جمهوری اسلامی همچنان در بوسنی به کار آموزش نیروهای مسلح اشتغال دارند. بر اساس گزارشات منتشره این افراد زیر پوشش سازمان امنیت نوین بوسنی به نام "اداره تحقیقات و مدارک" به فعالیتهای خود ادامه میدهند. رئیس جمهور بوسنی با انتشار اعلامیه ای در فروردین ماه ضمن تأیید حضور نظامیان ایرانی در بوسنی گفت که این افراد از واحدهای خود "جدا" شده و به صورت "افراد غیرنظامی" درآمده اند. بنابه گزارشات منتشره جمهوری اسلامی بزرگترین حضور نیپلماتیک خارجی در ساریوو را دارد. تعداد نیپلماتهای رژیم در ساریوو حدود ۲۰ نفر است.

* سلمیان امیرل رئیس جمهور ترکیه در سفر خود به آمریکا که در ماه آپریل صورت گرفت ضمن ایراد سخنانی در "نسبیتوی سیاست خاورمیانه" در واشنگتن تاکید کرد که رژیم ترکیه و جمهوری اسلامی "هیچ خصومتی" با یکدیگر ندارند. او اضافه کرد که ترکیه از "بنیادگرایی" جمهوری اسلامی ترسی ندارد و تاکید نمود که "ما ترسی از اینکه آنها - منظور سران رژیم جمهوری اسلامی است - بخوانند شیوه حکومت خود را به ترکیه صادر کنند، نداریم.

* در پی انفجار یک رشته بمب در شهرهای اسرائیل و کاتیوشایرانی حزب ا لله به اسرائیل در هفته های اخیر سرانجام دولت این کشور شهرهای جنوبی لبنان را از هوامورد حملات وحشیانه خود قرار داد. در همان روزهای آغاز این هجوم بنابه گزارشات منتشره حداقل نیم میلیون تن از مردم بی دفاع مجبور به ترک خانه خود شدند. در ضمن حملات وحشیانه اسرائیل که عمدتاً مناطق غیرنظامی را هدف قرار داد منجر به کشته شدن دهها تن و زخمی شدن حداقل ۱۰۰ نفر گردید.

* در چارچوب رسوایی مربوط به صدور سلاح از سوی جمهوری اسلامی به بوسنی به دستور آمریکا، بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به روزنامه لوس آنجلس تایم تاکید کرد: این که آمریکا برای متوقف ساختن صدور سلاح از ایران به ارتش در هم شکسته بوسنی تلاشی انجام نداده اقدام خلافی مرتکب نشده است.

* در جریان دیدار لی پنگ نخست وزیر چین از فرانسه به تاریخ ۲۲ فروردین، چین با خرید ۳۳ هوایمای لیرباس به مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار از فرانسه موافقت کرد. همچنین قراردادهایی در زمینه توسعه کارخانه ماشین سازی سیتروین، گاز و خرید گندم از فرانسه بین دو کشور منعقد شد. مقامات فرانسوی برغم اعتراض گروههای حقوق بشر به سفر لی پنگ از او استقبال چشمگیری به عمل آوردند. هم اکنون فرانسه چیزی نزدیک به ۲ درصد از بازار چین را در اختیار دارد و برای گسترش حوزه نفوذ خود در چین بشدت تلاش میکند.

* با گسترش جنگ خونین بین جناحهای رقیب در لیبیا، پایتخت این کشور به صحنه وحشیانه ترین زدو خورد بین گروههای متخاصم تبدیل شد. هزاران تن از مردم لیبیا آواره شده و خبرگزاریها از صدها کشته و مجروح خبر داده اند. ولی هنوز هیچ رقم دقیقی از تلفات سنگین این جنگ که دو طرف اصلی آن رئیس جمهور لیبیا و نیروهای مخالف او هستند ارائه نشده است. با شدت یابی جنگ، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و یونسف نیز کارمندان خود را به علت خشونت بیش از حد، از پایتخت این کشور خارج کردند. در طول بیش از ۶ سال جنگ در لیبیا بیش از نیمی از جمعیت این کشور آواره و حداقل ۱۵۰ هزار تن کشته شده اند.

* در تازه ترین آمار منتشره در رابطه با تعداد فقرا در دنیا اعلام شد که هم اکنون حداقل یک میلیارد فقیر در جهان وجود دارند که ۸۰۰ میلیون نفر آنها در قاره آسیا زندگی میکنند.

* بنا به گزارش روزنامه لوس آنجلس تایمز آمریکا، دولت امریکا تصمیم به استقرار یک فرستنده قوی رادیویی در کویت گرفته و قصد دارد که از آنجا مشخصا برای ایران و عراق برنامه فارسی و غربی پخش کند. در توجیه استقرار این فرستنده رادیویی که ۱۲ برابر فرستنده های معمولی قدرت دارد گفته شده که از آنجا که گویا "مجازتهای اقتصادی"، "نزوای سیاسی" و حتی "حضور پر قدرت نظامی امریکا" در خلیج فارس اهداف امریکا را تامین نکرده و در نتیجه مقامات این کشور برای "تاثیر گذاری بر روند رویدادهای سیاسی" در ایران و عراق به استقرار این فرستنده رادیویی اقدام میورزند.

* در اعتراض به سیاست بازگرداندن پناهندگان

از سوی دولت هلند، نزدیک به ۵۰۰ نفر از پناهندگان اتیوپیایی در هلند روز ۱۲ مه ۱۹۹۶ در شهر "دن هاخ" هلند دست به یک راهپیمایی اعتراضی زده و در مقابل ساختمان پارلمان تجمع نمودند. سازمان دانشجویان ایرانی در

اخبار زیر شمه ای از وضعیت نابسامان پناهجویان ایرانی در ترکیه را منعکس میکند که توسط یکی از پناهجویان مبارز برای پیام فدائی ارسال شده است

در دست دارند اما از ترس دیپورت به ایران توسط پلیس ترکیه خود را به پلیس شهرهای مرزی معرفی نکرده اند.

لازم به ذکر است که مطابق بخشنامه های ضدپناهندگی وزارت کشور ترکیه هر پناهجو باید پس از معرفی خود به UN و انجام مصاحبه دوباره به اولین شهر مرزی ای که از آنجا وارد ترکیه شده بازگردد و همین امر در مواردی باعث دستگیری و دیپورت پناهجویان به ایران شده است. در تازه ترین نمونه از رفتار وحشیانه پلیس و دولت ترکیه

پناهجویی به نام جهانگیر مهاجری از شهر قیصریه به شهر آغری انتقال یافته تا به ایران دیپورت شود و این در حالی است که نامبرده قبولی UN و ویزای کانادا را در دست دارد.

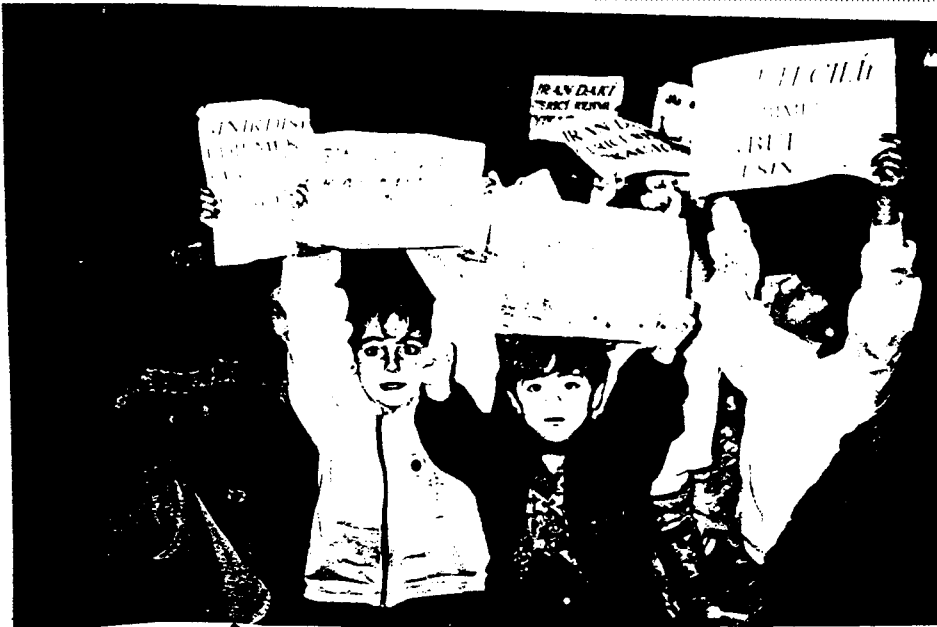
تا تاریخ ارسال این خبر ۹۶/۴/۱۸ او هنوز به ایران اخراج نشده است. مورد دیگر مربوط به یک پناهجوی دیگر به نام نوشین صفاری میباشد. نامبرده در تاریخ ۹۶/۴/۱۰ پس از معرفی خود به UN برطبق قانون ترکیه خود را به پلیس شهر آغری نیز معرفی کرد. با

وجود هماهنگی های لازمه پلیس ضدخلفی ترکیه قصد دیپورت او به ایران را داشته که با همکاری و اعتراض پناهجویان و اقدامات به موقع آنها از دیپورت او جلوگیری به عمل آمد.

شهر "چانکری" در ۱۳۰ کیلومتری آنکارا، یکی از شهرهایی است که تعدادی از پناهجویان ایرانی در شرایط سخت در انتظار دریافت جواب از UNHCR در آن بسر میبرند. مجموع کیسهای پناهندگی در این شهر ۱۵ عدد است که جمعا شامل ۲۷ نفر میشود. از این تعداد سوای ۳ کیس که متعلق به بهاییان میباشد، تقریبا بقیه متقاضیان را هواداران جریانهای چپ و مبارز تشکیل میدهند که در انتظار جواب مثبت و انتقال به کشورهای پناهنده پذیر به سر میبرند.

در شهرستان وان نیز تعداد پناهجویان ایرانی حدود ۵۰ نفر تخمین زده میشود که جمعا ۲۴ کیس پناهندگی را شامل میشوند. آنها اکثرا بهایی بوده و قبولی UN را نیز در دست دارند و منتظر جواب وزارت کشور ترکیه میباشند. در شهر حکاری نیز حداقل ۲۵ کیس پناهندگی وجود دارد که ۴۰ تا ۴۵ نفر را در برمیگیرد. این عده نیز وضعیت خوبی ندارند و اکثرا در انتظار جواب مثبت UN به سر میبرند.

خطر اخراج و دیپورت به ایران توسط دولت ضدخلفی ترکیه هر روز جان پناهجویان ایرانی در ترکیه را تهدید میکند. بنابه اخبار دریافتی در ترکیه چیزی حدود ۴۰۰ پناهنده سیاسی وجود دارند که گرچه قبولی UN را



ساعت ۸ روز جمعه ۹۶/۴/۵ پلیس امنیتی ترکیه با محاصره هتل سلمان شهر آغری و تهدید پناهجویان مستقر در هتل به ماندن در اتاقهایشان تعداد ۲ خانواده ۳ و ۴ نفره و همچنین یکی از پناهجویان مجرد را، سراسیمه از هتل خارج کرده و در حالیکه به آنها حتی اجازه جمع آوری وسایلشان را ندادند افراد مزبور را به قصد دیپورت به ایران با اتوموبیل باخود بردند. در این ماجرای غم انگیز یکی از کودکان خرسال با فریاد به بقیه پناهجویان اطلاع داد که دارند آنها را دیپورت میکنند. در اقدام بعدی پناهجویان با گزارش قضیه به نماینده UN در آغری خواهان جلوگیری از دیپورت پناهجویان مزبور شدند. در جریان تماس شخص مزبور با دفتر UN در آنکارا و همچنین اعتراض پناهجویان به پلیس معلوم شد که خود UN به وزارت کشور ترکیه اطلاع داده که پرونده های پناهجویان دیپورتی توسط آنان بسته شده و به این ترتیب دست پلیس را برای دیپورت آنها بازگذارند. از سرنوشت افراد دستگیر شده توسط پلیس خبری در دست نیست. هرکدام از این پناهجویان حداقل ۶ ماه در ترکیه به امید قبول تقاضای پناهندگی خویش به سر برده بودند.



چهارمین شماره "خبرنامه" پناهجویان متحصن ایرانی در آنکارا، که حاوی گزارشی از تظاهرات پناهجویان به مناسبت روز ۱۲ فروردین بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و چگونگی دستگیری و ضرب و شتم پناهجویان توسط پلیس ضدخلفی ترکیه است، منتشر شد.

از پناهجویان ایرانی در ترکیه دفاع کنیم!

خبرنامه
پناهجویان متحصن
ایرانی در آنکارا

دو بیست و هشتمین روزنامه

شماره ۴

۱۲ فروردین ماه ۱۳۷۵

اطلاعیه متحصنین پناهنده
روزنامه همگام خود رویداد
جمهوری اسلامی، «نفسه
آزادی، دگرگونی و صلح،
استقلال و عدالت اجتماعی»
آزادی»
«وزارت کشور و دولت پناهنده
پناهنده است که بیست و هشتمین شماره
خبرنامه را به پناهنده های متحصن
شماره ۴ در آنکارا، در روزنامه هم
سال ۱۳۷۵، رقی ۱۳۷۵، آنکارا»
«جمهوری اسلامی، به دستور آنکارت
آزاد، ایران، به پناهنده های متحصن
که کشته و در آنکارا، به پناهنده های
پناهنده کنند، در آنکارا، به پناهنده های
و عدالت اجتماعی، به پناهنده های
پناهنده، به پناهنده های متحصن، به پناهنده های
قدرت رسیده، به پناهنده های متحصن، به پناهنده های
استعدادات خود، به پناهنده های متحصن، به پناهنده های
از رنده های متحصن، به پناهنده های متحصن، به پناهنده های
شاید و مبارزات غیرمسلحانه، به پناهنده های متحصن، به پناهنده های
پیشرفت کنند»
«پناهنده های متحصن، به پناهنده های متحصن، به پناهنده های
دفاع از قوانین اسلام و ضرورت مبارزه، به پناهنده های متحصن، به پناهنده های
سنگ ایران و عراق و دستهای پناهنده های متحصن، به پناهنده های متحصن، به پناهنده های
پناهنده های متحصن»

سخن وزیر امور خارجه ای رژیم به ترکیه	صفحه ۳
گزارش تظاهرات کوتل پناهنده	صفحه ۴
اخبار و گزارشات متحصن	صفحه ۷

هرک در رژیم جمهوری اسلامی ایستاد

بیاد شهدای کارگر چریکهای فدایی خلق ایران

..... بگذار بذر "تیر"

چون جنگلی بروید در آفتاب خون
فریاد کر شود
این بذر ها به خاک نمی ماند
از قلب خاک می شکند چون برق
روی فلات میگذرد چون رعد
خون است و ماندگار است.....



لیست زیر اسامی بخشی از رفقای کارگری است که در صفوف سازمان بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش به پیکار برخاستند و خونشان ضامن رشد مبارزات هرچه بیشتر طبقه کارگر ایران گردید. کارگرانی که در مبارزه بر علیه بیدانگری های نظام موجود مسلح به تنها تئوری انقلابی جامعه ما - تئوری مبارزه مسلحانه - درفش سرخ طبقه کارگر را بیشاپیش توده ها برافراشتند.

کارگرانی که در جریان فعالیت خود در سطوح مختلف روابط تشکیلاتی بیشترین کوششها را در جهت تحقق اهدافشان در سازمان سیاسی - نظامی طبقه شان بکار بستند و سرانجام با خون خویش پیگیری طبقاتی و عزم استوارشان را در نابودی سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر آشکار ساختند.

بدون شک خلق ما بدون وجود چنین انقلابیونی برای همیشه در سیطره ظلم و ستم باقی میماند. ولی رزم انقلابی این چریکهای فدایی خلق بگری از آگاهی و باور انقلابی را در جامعه و بخصوص در میان طبقه کارگر ایران افشاند و مبارزات آنان ارتقاء آگاهی کارگران و دیگر توده های ستمدیده خلقمان را باعث گشت. در سالگرد اول ماه مه، روز همبستگی کارگران سراسر جهان یک بار دیگر خاطره این رفقای چریک، این کارگران کمونیست را گرامی میداریم.

اسامی بخشی از رفقای کارگر شهید سازمان:	
★ رفیق جلیل انفرادی	۳۹/۱۲/۲۶ تیرباران تهران
★ رفیق خلیل سلماسی نژاد	۵۰/۲/۱۸ انفجار تهران
کوکتل مولوتف در خانه تیمی	
★ رفیق اسکندر صانقی نژاد	۵۰/۳/۲ درگیری - تهران
★ رفیق اصغر عرب هریسی	۵۰/۱۲/۲۲ اعدام تهران
★ رفیق مناف فلکی	۵۰/۱۲/۲۲ اعدام تهران
★ رفیق جعفر اردبیل چی	۵۰/۱۲/۲۲ اعدام تهران
★ رفیق محمد تقی زاده	۵۰/۱۲/۲۲ اعدام تهران
★ رفیق احمد زبیرم	۵۱/۵/۲۸ درگیری تهران
★ رفیق لیرج سپهری	۵۲/۶/۲ درگیری آبادان
★ رفیق حسن نوروزی	۵۲/۱۰/۲۰ درگیری لرستان
★ یوسف زرکار	۵۲/۱۱/۱۷ درگیری اصفهان
★ رفیق حبیب الله مومنی	۵۴/۲/ درگیری تهران
★ رفیق پدا الله زارع کاریزی	۵۴/۳/۶ درگیری تهران
★ رفیق فتحعلی پناهیان	۵۴/۱۱/۳ درگیری تهران
★ رفیق قربانعلی زرکار	۵۵/۲/۲۵ درگیری تهران
★ رفیق محمد کاسه چی	۵۵/۱۱/ درگیری تهران
★ رفیق نوروز قاسمی	۶۰/۴/۸ تیرباران تبریز
★ رفیق بهروز کتابی	۶۰/۵/۲۸ تیرباران آمل
★ رفیق فیروز جعفری	۶۰/ / تیرباران تهران
★ رفیق بهمن (نام سازمانی)	۶۱/۸/ تیرباران تنکابن
★ رفیق حمید میرشکاری (بیشمرگه چریکهای فدایی خلق ایران)	
★ رفیق کرستان	۶۲/۳/۲۰ درگیری کرستان
★ رفیق حسن بشیری	۶۱/۷/۲۰ تیرباران بندرعباس
★ رفیق فولادخانی	۶۲/۵/۳ تیرباران بندرعباس
★ رفیق علی احمد سرخونی	۶۲/۷/ تیرباران بندرعباس
★ رفیق سیف الرحمان.....	۶۲/۷/ تیرباران بندرعباس

گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر!

اخبار

گوشه هایی از جنایات دستگاه سرکوب رژیم

در ماههای اخیر

در شرایطی که بازرسی ویژه سازمان ملل متحد در حقوق بشر با تنظیم "گزارشی" از اوضاع حقوق بشر در ایران از "پیشرفتهای" این رژیم جلا داد در مورد مساله فوق و بهبود اوضاع توده ها دم زده است، هم زمان با تهیه و تنظیم این "گزارش"، دستگاه سرکوب موجی از ترور و جنایت را بر علیه توده های تحت ستم و سازمانهای مبارز و انقلابی در داخل و خارج کشور سازمان داده است. لیست زیر ضمن آنکه گوشه کوچکی از جنایات اخیر رژیم جمهوری اسلامی در ماههای اخیر را بنمایش میگذارد در همان حال پوچی

در شرایطی که بازرسی ویژه سازمان ملل متحد در حقوق بشر با تنظیم "گزارشی" از اوضاع حقوق بشر در ایران از "پیشرفتهای" این رژیم جلا داد در مورد مساله فوق و بهبود اوضاع توده ها دم زده است، هم زمان با تهیه و تنظیم این "گزارش"، دستگاه سرکوب موجی از ترور و جنایت را بر علیه توده های تحت ستم و سازمانهای مبارز و انقلابی در داخل و خارج کشور سازمان داده است. لیست زیر ضمن آنکه گوشه کوچکی از جنایات اخیر رژیم جمهوری اسلامی در ماههای اخیر را بنمایش میگذارد در همان حال پوچی

در صفحه ۱۱

* نوهفته پس از اعلام رسمی حکم بازداشت فلاحیان وزیر ساواک جمهوری اسلامی که به جرم دست داشتن وی در قتل چند تن از رهبران حزب مکررات کردستان از سوی دادگاه فدرال آلمان صادر شد، وزارت دادگستری آلمان از این حکم "انصراف" نمود. وزارت دادگستری آلمان با این دستاویز که جان آلمانیهای مقیم ایران گویا در خطر خواهد افتاد به لغای حکم استرداد فلاحیان دست یازید. لازم به ذکر است که صدور حکم بازداشت وخواست استرداد وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در حالی صادر شد که برطبق شواهد آشکار و اعتراف تروریستهای جمهوری اسلامی روشن شده بود که فلاحیان مستقیماً در طراحی و سازماندهی قتل شرفکندی و همراهان او دست داشته است.

* برغم تشدید فضای کنترل توسط دستگاه سرکوب رژیم، میلیونها تن از مردم مراسم سیزده بدر امسال را بطور وسیع در نقاط مختلف برگزار کردند. بنابه گزارشات منتشره امسال این مراسم با وسعت و استقبال بسیار زیاد مردم در تهران و سایر شهرها روبرو شد و با وجود محدودیتهای فرولان نیروهای انتظامی، مردم با هجوم به پارکها و مناطق کوهستانی اطراف شهرها به رقص و پایکوبی پرداختند و به محدودیتهای ایجاد شده حکومت واقعی ننهاند.

* به گزارش رویتر یک شرکت انگلیسی به نام "جان براون" با انعقاد یک قرارداد مطالعاتی با جمهوری اسلامی که ارزش آن ۱۲ میلیون دلار است امر توسعه میدان گاز "پارس جنوبی" را مورد مطالعه قرار داده است. میدان گاز پارس جنوبی یکی از بزرگترین میدانهای گاز فلات قاره در جهان محسوب میشود و حاوی ۱۰۰ تریلیون فوت مکعب گاز و ۲ میلیارد بشکه نفت سبک است. در صفحه ۲۰

PAYAME FEDAAEE

NO: 9 - MAR 96

ORGAN OF IRANIAN PEOPLE'S FEDAAEE GUERRILLAS

آبونمان پیام فدایی

برای آبوننه شدن نشریه لطفاً بهای اشتراک را به شماره حساب زیر واریز کرده و رسید آن را به آدرس پستی سازمان ارسال نمایید. هزینه سالانه آبونمان پیام فدایی معادل ۱۶ دلار امریکا، ۱۶ مارک آلمان، ۷ پوند انگلیس، ۵۵ فرانک فرانسه و ۷۸ کرون سوئد میباشد.

BRANCH SORT CODE: 60-24-23

ACCOUNT NAME: M.B

ACCOUNT NO: 98985434

آدرس پانک:

NATIONAL WESTMINSTER BANK

PO BOX 8082

14 THE BROADWAY

WOOD GREEN

LONDON N22 6BZ

ENGLAND

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM BOX 5051

LONDON

WCIN 3XX

ENGLAND